



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کتب قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی.

شماره ۴۴۴۳

شنبه ۲۰ خردادماه ۱۳۳۲

سال نهم

شماره مسلسل ۸۲

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۸۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه هفتم

خردادماه ۱۳۳۲

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور- آقایان: جلالی- میراشرافی - زهری (آقای زهری ضمناً از ماده ۹۰ هم استفاده نمودند)
- ۳- بیانات آقای فئات آبادی طبق ماده ۱۴۶ و آقای دکتر معظمی بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه
- ۴- تقدیم لایحه تمدید فرمانداری نظامی در شهرستان شیراز بوسیله آقای معاون وزارت دفاع ملی
- ۵- اعلام حاضر بودن آقایان وزیر کشور و معاون نخست وزیر برای جواب سئوالات
- ۶- بیانات آقایان: خلخالی و مکی بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه
- ۷- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای محمد ذوالفقاری (نایب رئیس) تشکیل گردید

(۱- تصویب صورت مجلس)

نایب رئیس - جلسه رسمی است ، صورت غائبین سه شنبه پنجم خرداد ماه فرات می شود (صورت غائبین شرح ذیل بوسیله آقای ناظرزاده منشی قرائت گردید) صورت غیبت و دیر آمدگی و غائبین در رای آقایان نمایندگان در جلسه صبح سه شنبه خرداد ماه ۱۳۳۲ غائبین با اجازه آقایان: دکتر شایگان اورنگ - عبدالرحمن فرامرزی - بهادری عامری - صرافزاده - دکتر فقیهی شیرازی غائبین بی اجازه آقایان: مشار - راشد دکتر امامی - دکتر مصباحزاده

نایب رئیس - به کمیسیون معاسبات

مین مذاکر مشروح هشتاد و دومین جلسه از دوره هفدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

ارجاع میشود . آقای مهندس غروی

مهندس غروی - مختصر اغلاط

چاپی هست در عرایض بنده اصلاح میکنم

می دهم با اداره تند نویسی

نایب رئیس - اصلاح خواهد شد

نسبت بصورت جلسه اعتراض دیگری نیست؟

آقای صفائی بفرماید

صفائی - بنده را جزو دیر آمدگان

نوشته اند در صورتیکه بنده دیر نیامدم در

جلسه گذشته ، لیکن در آخر جلسه زود رفتم

(ناظرزاده - اینجامم جزء زود رفتگان

نوشته اند) بلی لیکن دیر نیامدم

نایب رئیس - اصلاح می شود

اعتراض دیگری نیست . صورت جلسه سه

شنبه خرداد تصویب می شود

(۲- بیانات قبل از دستور

آقایان: جلالی- میراشرافی

زهری (ضمناً آقای زهری

از ماده ۹۰ هم استفاده نمودند)

نایب رئیس - عده ای از آقایان

تقاضای طرح قبل از دستور خواسته اند ،

آقای جلالی بفرماید

جلالی - آقایان نمایندگان محترم؛

شاید بعضی از آقایان نمایندگان نخستین روزی

را که پیش از افتتاح دوره هفدهم بعنوان

معارفه در مجلس جلسه تشکیل شد بخاطر

داشته باشند در آنروز اینجانب عده ای از

آقایان را که تا آنروز فقط نامی از آنان

شنیده بودم و هیچگونه رابطه قبلی با آنها

نداشتم باین نکته مستحضر کردم که در

این دوره بدون شك راه آینده ما هموار

نیست ما در يك نقطه بیم و امید هستی و نیستی

شرف و ننگ پیروزی و شکست قرار داریم

و دنیای غارتزده شوق نگران ما بود و

استعمار طلبان غرب همچنان خواهان بلعیدن

ثروت ما و بیابال کردن موارث ملی و مدنی ما

هستند در آنروز من خاطر نشان کردم که

پیروزی ما را اتفاق تأمین میکند و شکست

و بدنامی ما را نفاق و اختلاف ، آنروز فراموش
نمیکنم با آقای پارسا عرض کردم که
نمایندگان تازه کاری امثال ما که تا آنروز
دستی ازدور بر آتش داشتیم و تنها تلوژ
چراغ نهضت ملی و بی پروایی و کستاختی
رهبران ملی و مذهبی و مردم را در قبال جباران
و استعمار گرانرا می دیدیم تنها باین امید
و با شوقی تمام آماده خدمت شدیم که بتوانیم
با همکاری دکتر مصدق و دیگر زعمای
نهضت با تأیید خداوند کاروان غارتزده ملت
را روزی بوادی ایمن برسانیم آنروز
مشوق ما هیچ نبود مگر همینکه عرض کردم

و امروز هم بحمد الله جز آن نمیخواهیم و هدفی
نداریم همکاران عزیز تاریخ جهان همیشه
مشغول از حوادث است ولی در تاریخ ملتها
تنها گاهی این حوادث دارای يك عنوان
فوق العاده است باصطلاح با خط درشت
رقم خورده است در چنین مواقعی که جنبیت
و استقلال يك ملتی در يك نقطه بحرانی قرار
میگیرد مسئولیت زعمای قوم هم در نقطه
بحرانی قرار خواهند گرفت در این نقطه هم
برای ملت و هم برای کمین و مسئولین محل
تلافی دو خط آبرو آزادگی و شکست و ناکامی
است در این نقطه است که باید قدمها استوار
ترواز خود گذاشتگیها بیشتر باشد عقل و منطق
و فکر سلیم و فداکاری مجال خود نمائی به
کینه و عداوت و نظریات شخصی ندهد زیرا تجربه
نشان داده است هیچگاه نهضت جریان خود را عوض

نمیکند اکثر همان راهی میروند که هدف در
انتهای آن قرار دارد زیرا جریان نهضت ها
کتر شامل خود خواهی و نفس پرستی است
و گمان نمیکنم کسی از آقایان محترم منکر
این باشد که امروز آنچه در این کشور دیده
میشود و میگذرد يك جریان کاملاً استثنائی است
و قطعاً تاریخ آینده هم امروز را بنام يك
روز بحرانی نام خواهد برد و این قیام را به
بهترین صورتی خواهد استود

آقایان محترم شبیه سر نوشت و حیات
و حیثیت مردمیکه هیچ سرمایه جز آزادگی و
فداکاری ندارند امروز در دست مجلس شورای

ملی ایران است مردمیکه سخت نگران بسر-
 نوشت خود هستند وقتی آنها محرومیت می-
 کشند و مبارزه میکنند من و شما چگونه
 می توانیم حاضر شویم که تنها روی اختلاف
 سلبه بر نوشت آنها بنشینیم پنجاه سال از
 صرم شروطیت ما میگردد و تنها محسولیکه
 از این پنجاه سال مشروطیت بدست مردم آمد
 این بود که برای اولین بار آنچه میخواستند
 یعنی قطع آبادی شرکت سابق نفت را بدیده
 و دولتیکه نظر داشتند بسر کار آمد چه میشود
 کرد که دولت د کتر مصدق اولین دولتی بود
 که طبقات مختلف کشور میخواستند که روی
 کار بیاید این سد برای اولین بار شکست و در
 حالیکه شکستن این سد خیلی ها را نگران
 کرد و بیش از همه کونه نظران خارجی را
 نگران ساخت که آما ایشان یا بمال این دولت
 میشد امروز باور میکنند ولی دیروز باور نمی-
 کردند که ممکن است دو دولت
 زورمند که منابع شمال و جنوب کشور ما
 را در بید قدرت خود داشته اند از میدان
 در بروند جز کاردانی د کتر مصدق و دیگر
 زحمای نهضت ملی و مساعدت حضرت
 آیت الله کاشانی چه نیروی میتوانست این
 بت فساد را از خوان پغمای ملت ایران
 براند کدام دولتی می توانست مسئله شیلتر را
 باین آرامی بنفع مردم ایران التیام دهد
 کبشت که منکر گردد د کتر مصدق در این
 باره هم جهانی را بعبرت واداشت گمان
 نکنید که آنها لذاین مرد مبترسیدند اینطور
 نبوده برای اولین دفعه دولت شوروی در
 کشور ما بحکومتی برخورد که با مردم پیوند
 داشت و برای روی کار آمدنش انقلاب سیام
 نبر بوجود آمد دولتیکه بدولتهای گذشته
 نه حکم میکرد و یاد داشت می داد این بار
 متوجه شد که مقاومت و سرسختی او در قبال
 دولت ایران حاصلی جز بدنامی و شکست ندارد
 کما اینکه برای دولت زورمند انگلستان چیزی
 ننگ و رسوائی حاصلی نداشت اینجانب خدا را
 گواه میکنم که در این سخنان خود سرسوزنی
 فصد تعارف و مجامله نسبت بدولت را ندارم
 بلکه بدستگاه انتقاد بسیار دارم زیرا با این
 دستگاه خیلی کم می توانیم کارمو کلین خود
 را راه بیندازیم در حالیکه هر کسی پوشیده
 نیست که گرفتاری مردم تا چه حد است من
 مدتی است تلاش میکنم شاید بتوانم بعضی
 وزارتخانهها را وادار کنم که اقلا بزار همین
 محروم و خرده مالکین دماوند و فیروز کوه
 که هیچوقت لطف دولتها شامل حالشان
 نشده است بیش از اینها نظر داشته باشند
 و موفق شده ام ولی با همه دولتیکهها که
 بغاظلمو کلین خود از این دولت دارم هدف
 بزرگتری در پیش چشم من است نظر این
 است که نباید یکبار دیگر بانگلستان استعمارگر
 که امروز مانند دوره گردان بهر دور می-
 زند و از لاه تا ژاپن همه جا ذنبه میکند
 و با هزاران حیل شیطانیکه میکوشد تا دولت
 حاضر را سقوط بدهد مجال داد اینجانب

بنام يك نماینده ملت ایران اعلام میکنم که
 غایت آمال انگلستان سقوط دولت د کتر
 مصدق است و بدین سبب نباید هیچ قیمت
 اجازه داد این آرزوی آنها تحقق یابد باید
 دید مردم چه میگویند و چگونه قضاوت می-
 کنند و بقضاوت آنها احترام گذاشت مردم
 امروز میگویند در سیاست خارجی سرسختی و
 یا فشاری د کتر مصدق درباره استقلال و
 در قبال مطامع خارجی بوده که دوست و دشمن
 را با احترام واداشته که برای اولین بار
 سیاست خارجی کشور پرروی شالوده محکم
 و احترام متقابل قرار گرفته است و اما درباره
 سیاست داخلی و اصلاحات باید عرض کنم
 روزی که ما مبارزه را شروع کردیم هدف
 ما این بود که بوضع پریشان خود رسواسمانی
 داده و بیش از همه باستقلال حقیقی برسیم و
 برای اینکار قطع ریشه نفوذ اجنبیان را
 بهترین دارو و درمان دانستیم و تعجب در
 این است که بعضی از آقایان اصلاح امور
 داخلی را بطور کامل پیش از پایان مبارزه
 میسر میدانند آقایان محترم شما مرض را تشخیس
 دادید درمان را هم تشخیس دادید ولی
 پیش از بدست آوردن دارو چگونه از طبیب
 میخواهید که مریض را بسر حد سلامت برساند
 آیا با این اختلافات و تشنجات دیگر مجال
 اصلاحات میماند ؟ اگر انصاف داشته باشیم
 جواب منفی است بلکه خدای نخواسته می ترسم
 « این سبل اختلاف کند روزی این چراغ
 گر بشنوی نصیحت ورنشوی بمصدق
 کفتمیم و بر رسول نباشد بجز بلاغ »
 بنده تحقق سعادت و سیادت و موجودیت
 مملکت را در موفقیت این دولت میدانم و
 متقدم د کتر مصدق در میان مشکلات
 گوناگون اقتصادی و سیاسی مأموریتی را که
 بعهده ایشان بر گذار شده خوب انجام داده
 است و برای ملت ایران این تضمین وجود
 ندارد که دیگری هم همین کار را بکند
 بخصوص اینکه د کتر مصدق شخصیت
 بین المللی پیدا کرده و مظهر مبارزه و مقاومت
 شناخته شده است
 و اما موضوعی که تذکر آن شایان
 اهمیت میباشد این است که با کمال تعجب
 دیده میشود که بعضی از آقایان نمایندگان
 محترم د کتر مصدق را بضدیت سلطنت
 مشروطه و شخص اعلی حضرت هایونی متهم
 میکنند و این نوع بیانات آنهم در مجلس
 شورای ملی هر فرد وطن خواهی را متأثر
 مینماید گرچه اطمینان دارم آنهایکه عنوان
 این مطلب میکنند چون خود هم از بنیان
 نهضت بوده اند از ضمیم قلب بان ایمان
 ندارند زیرا این مرد بارها علاقه خود را
 بسلطنت و بخصوص باعلی حضرت هایونی ابراز
 داشته و تمام مراحل سیاسی و ارتقاء مقام
 را با وجاهت ملی پیموده است و نیز باید
 عرض کنم که اتهاماتی هم در این زمینه نسبت

بمنتخبین فرا کسیون نهضت ملی وارد آمده
 که البته بدون جواب نخواهد ماند
 در جلسه گذشته نماینده محترم جناب آقای
 زهری سؤالاتی چند در باره آقای د کتر
 مصدق و اینکه آیا این همایند د کتر مصدق سال
 های قبل است کرده بودند که اینجانب با
 اجازه ایشان جوابشان را از شهریار شاعر
 معاصر که دیوانش هم بهت والای آقای زهری
 بچاپ رسیده است عرض مینمایم
 شبی ز شمع شبستان خویش پرسیدم
 چه روی داده که لطفی بزند گانی نیست
 د گرز عشق و جنون آیتی نمی بینم
 عزیز من د گرز الفضاظر امانی نیست
 و فاقبت جان هم نمیشود پیدا
 فغان که هیچ متاعی باین گرانی نیست
 این قطعه زیاد است و بنده وقت گرانبهای
 مجلس را بیش از این نمیکرم و تنها با آقای
 زهری عرض میکنم
 بخنده گفت تو خود را به بین که آنهمه هست
 ولی چشم تو آن عینک جوانی نیست
 (شمس قنات آبادی - عینکشان شکست)
 و در پایان از فرصت استفاده کرده و توجه
 آقایان وزراء راه و بهداشتی را (میرا شرافی-
 وزرائی که هیچوقت نمی آیند بمجلس)
 درباره حوائج دماوند و فیروز کوه که اسفالت
 جاده طهران بدماوند واحداث چند در زمانگاه
 و تسطیح حدا کتر پنجاه کیلو متر راه فرعی
 که آقای نخست وزیر هم دستور انجام آنرا
 داده اند جلب و بر ارض خود غنا تمه می
 دهم (نمایند گنان - احسنت)
نایب رئیس - آقای میرا شرافی
 بفرمائید
میرا شرافی - مطلبی که بنده امروز
 میخواهم بفرض آقایان نمایندگان محترم
 برسانم موضوع مربوط بهممان گزارش
 هیئت ۸ نفری است که بطور اختصار عرض می
 کنم
 چون موضوع گزارش هیئت هشت
 نفری و لجاجت فطری اولیاء امور دولت
 کار را بیک ائتلاف علنی میان حکومت
 حاضر و دست نشاندگان کز ملین یعنی حزب
 کونست توده کشانیده بنده امروز که
 تصویب این گزارش علیه مبارزات ما
 باین مرحله رسیده ناچارم پرسده را بالا
 بزنم و از پشت این تریبون قانون گذاری
 ملت ایران را بشهادت بگیرم و بگویم
 جناب آقای محمد مصدق السلطنه جناب
 آقای مهندس رضوی رئیس فرا کسیون
 موسوم به نهضت ملی و جنابان آقایان اعضاء
 فرا کسیون طرفدار دولت جناب آقای
 خسرو خان قشقائی دائر مدار نهضت جنوب
 نهضتی که مدعی بودند برای جلوگیری از
 جدائی آذربایجان بوجود آمد (خسرو
 قشقائی - شما آتوقت از ما دفاع میکردید)
 جنابان آقایان وابسته بعزب ایران اعضاء
 کنندگان ائتلاف نامه با حکومت تجزیه

طلب پیشه وری و تمام کسانی که بهر اسم
 عنوان دانسته یا ندانسته فهمیده یا نفهمیده
 شاه های خود را چوب بست های حکومت
 کمونیستی دست نشانده آینده قرار دادند
 اند باتمام کسانی که با اعمال و کردار خود
 بامیدی جاده ضاف کن سلطه جابران
 ظالمانه کمونیسم بر مملکت شده اند
 باین حکم قطعی تاریخ کردن بگذار
 که حکومت بلشویکی هرگز بجاده ما
 کن ها و چوب بست های قدرت خود
 نخواهد کرد
 آقایان اگر آنروزیکه (خدا که
 ما نه بینیم) کمونیسم بر این مملکت
 شود و باین اعمال و اصرار شما در ستر
 مملکت ایران لگد کوب چکمه خارج
 گردد ماضرر نخواهیم کرد زیرا ما بر
 حفظ استقلال خود تفنک بدست میگیریم
 و با کمال سزبندی می جنگیم آنقدر
 احساس نمودیم قدرت از ما سلب شده و
 سرنوشت ابدی را استقبال میکنیم
 تمام قهرمانان تاریخ مثل همه کسانی که
 طی دو جنگ در برابر تجاوز در قبال
 زور و استعمار در لهستان در چکوسلواکی
 در رومانی تا آخرین نفس جنگیدند
 می کنیم و بعد با کمال افتخار در راه
 خود در راه هدف خود کشته میشویم
 هائیکه در اروپا در راه نجات وطن
 شدند خونشان از مارنگین تر نبود اما
 آقایان شما جناب آقای مصدق السلطنه
 شما آقایان فرا کسیون طرفدار دولت
 بدانید که شما رحم نخواهند کرد کمونیسم
 همیشه جاده ضاف کن ها را نابود خواهد
 کرد آگاه باشید اگر در ادامه وسیر
 راه قلع اصرار کردید این شما و این
 شاهد است آنروز شما رحم نخواهند کرد
 آنروزا گرده شاز باد باشد همه را کمونیست
 ها و دشمن اجنبی جلوسلسل میکنند و
 تمام تیرهای چراغ برق میدان بهارستان
 در انتظار شما خواهد بود این سرنوشتی است
 تمام چوب بستهای کمونیستی در تمام کشور
 پشت پرده آهنین بدان دچار شدند این
 نوشت گزیر نباید بر است این گزارش
 هشت نفری همانطوریکه در جلسه گذشته
 گفتم مطلب مهم نبود لیکن همان دست
 هائیکه در اطراف اطلاق در بسته جناب آقای
 مصدق السلطنه برای سقوط مملکت
 میکنند آنرا بمرحله مبارزه با رژیم مملکت
 کشانیده موضوع تصویب این گزارش
 دستهاییکه بمرحله سقوط مملکت
 کشانید که قبل از روز ۹ اسفند نقشه
 مسوادتی را کشیده بود همان دستهاییکه
 بعد از سیام تیر و تشکیل مجدد کابینه
 خدمتاییکه حزب کونست توده برای
 داری مجدد آقای مصدق السلطنه

وزیر از حزب توده به ولت تعجب گردید
 به کسی در این مجلس هست که بتواند
 بگوید جناب آقای دکتر آذر وزیر فرهنگ
 برادر سرهنگ آذر افسر تجزیه طلب پیشه‌وری
 وزیر منتسب به حزب توده نیست چه کسی
 بتواند منکر عضویت جناب آقای وزیر محترم
 دادگستری در کمیته صلح حزب توده و
 سمیت مبارزه با استعمار حزب کمونیست
 بوده‌ای باشد موضوع لعاجت بر سر تصویب
 این گزارش راهمان دستهایی به مرحله سقوط
 پاکت کشانیده که از دیماه سال گذشته با
 سازش و بندوبست با مقامات شوروی بامید
 اینکه ایران جمهوری بشود و بعضی‌ها را
 بریاست جمهوری برسانند پرونده آزاد
 ساختن سران فراری و خائن حزب کمونیست
 بوده را جریبان انداختند آنرا برای اظهار
 نظریک باز پرس سیرند که در فراری که
 صادر کرده بکلی از حدود بیطرفی یک
 ضعیف عدالت گستر خارج و همکاری خود
 را با حزب توده به مرحله ثبوت رسانیده
 موضوع گزارش را همان دستهایی پیراهن
 شایع کردند که در یک جلسه محرمانه در بار
 شمعات خروج محرمانه شاه را از ایران فراهم
 بودند و اگر قیام مردانه مردم این شهر نبود
 روز جنگال سرخ بر این سرزمین سایه
 نداشت بود موضوع گزارش را همان دست
 پیراهن عثمان نموده که روز بیست و هفتم
 بروردین بنام تقاضای تصویب آن به حزب
 کمونیست نموده اجازه داد که زیر
 پرچم سرخ دلس و چکش و کس
 ستابین با کمال آزادی بشاه مملکت و
 استقلال ما فحش بدهند و تعجب آنستکه
 برای انتظامی مواظب بودند که کسی
 باغ وطن فروشی حزب کمونیست نموده
 شود از روز ۲۷ فروردین که ما تصمیم به مهاجرت
 گرفتیم بر ما مسلم شد که تصویب این
 گزارش را استعمار سرخ و بندگان کاخ
 کرملین و حکومت مسکو میخواهند نه
 ملت ایران مسکو تصویب این گزارش را
 بخواهد زیرا خوب میدانند که بدست
 جناب آقای مصدق السلطنه در موقعیت
 ملی نابودی رژیم و امحاء مشروطه سلطنتی
 ممکن است مسکو میدانند که بعد از نابودی
 رژیم فقط یک تیر چراغ برق مقابل منزل
 جناب آقای مصدق السلطنه برای نابودی
 ایشان کافی است لیکن مبارزه با اساس
 سلطنت کار آسانی نیست

اگر جناب آقای مصدق السلطنه و
 اطرافیان ایشان تصور میکنند که بتوانند
 حزب کمونیست توده را برای پیشرفت مقاصد
 خود اجیر کنند تا با مقدمات مملکت
 نقش بدهند و بعد از وصول بمقصود قادر
 خواهند بود که بر سران حزب لعاب بگذارند
 صفت دچار اشتباهند اینها با آتش بازی
 میکنند زیرا حزب کمونیست نموده هم همین
 سحر را میکنند و تجزیه و حکم تاریخ
 نشان داده است که سر نوشت کمونیست

تجدید شدنی است اگر جناب آقای دکتر
 مصدق تصور میکنند که بتوانند با ابزار فاسد
 و وطن فروشی کاخ سعادت ملت را بسازند
 بازم اشتباه میکنند - آقایان اصل این
 گزارش مطلب مهمی نیست لیکن طرز
 تصویب رساندن این گزارش مهم است
 گزارشی که با کمک حزب کمونیست توده
 تصویب برسد همان چیزی است که مسکو
 میخواهد نه ملت ایران و مازیر بار نخواهیم
 رفت بنده بار دیگر تکرار میکنم تمام کسانی
 که راه را برای سقوط مملکت بدست کمونیستها
 صاف میکنند خواه در این مجلس خواه در
 دستگاه دولت بدانند که سر نوشتی مهلکتر
 و خطرناکتر از تمام سانسیکه در پشت
 پرده آهنین آتش بیار سقوط مملکت خود
 بودند و بدست فحشون اجنبی تیرباران
 شدند و فحشون اجنبی در انتظار آنهاست
 این گزارش که آقایان امروز میخواهند
 تصویب بفرمایند بقیمت سازش پنهانی با
 اجنبی نسبت به قانونی ساختن یک حزب دشمن
 استقلال و منکر دین مذهب و توحید میباشد
 بقیمت امحاء قانون اساسی بقیمت نابودی مملکت
 تمام شده است حالا این شما این قضاوت تاریخ
 بطوریکه شنیدیم و قتیکه آقای دکتر مصدق
 با آمریکا رفته بود آقای آجمن وزیر سابق
 وزارت خارجه آمریکا برای یکی از همراهان
 ایشان مثلی گفته بود که بنده الساعه عرض می
 کنم

گفته بود در ایام قدیم هر کای جمع جویهای
 جنگل در آمریکا کارگران هندی استخدام
 میشدند و هندیها را با تمطیل در جنگل آتش
 زیادی روشن میکردند و مشغول تفریح بودند
 تا اینکه روزی در موقع تفریح جنگل آتش
 میگرفت صاحب جنگل بکارگران اصرار می
 کند که تفریح را کنار بگذارید و بکمک
 سایرین بروید جنگل را خاموش بکنید ولی
 سایرین مشغول تفریح بودند تا اینکه آتش
 زیاد میشود و بخانه همه سرایت میکند و تیکه
 مردم مشاهده میکنند که آتش خانه و خانواده
 آنها را میسوزاند و بچه‌ها را کباب میکند
 متوجه خطر عظیمی میشوند ولی شدت آتش مانع
 جلوگیری میشود در نتیجه همه را میسوزاند
 آنوقت مردم میگردد جنگل باقی بودند تا کنون
 نسوخته بودند فکر کرده بودند که بعد از این اگر
 چنین وضعی اتفاق افتاد جلو گیری خواهیم کرد حالا
 بعضی از کشورها حق دارند زیر آهنوز نمیدانند که
 آتش کمونیست چگونه سرایت میکند و کشور
 را آتش میزند ولی وقتیکه دیدند دیگر چاره‌ای
 جز سوختن ندارند

آقایان درست است که تصویب گزارش
 هیئت هشت نفری را حزب کمونیست توده
 می خواهد ولی آقایان نمایندگان هم در
 مقابل تاریخ مسئولیتی دارید و بهترین سند
 و دلیل بنده رفتار با کمونیستها در دولت
 جناب آقای مصدق السلطنه همان قرار
 باز پرس است که اخیراً صادر شده که توضیحش

دیگر لازم نیست همه آقایان بخوبی اطلاع
 دارند که این قرار را چگونه صادر کردند
 و چگونه حزب مزله توده را میخواهند
 قانونی بسازند این عریض بنده در اجاع باین
 گزارش هیئت هشت نفری آقایان هم
 باین جرأید کمونیستی توجه بفرمائید اگر
 مصلحت میدانید و باید تصویب بشود دیگر
 آن در اختیار اکثریت است

یک مطلب دیگر را میخواستم به عرض
 آقایان برسانم و توضیح عرض کنم آن
 توضیح این بود که در جلسه گذشته ضمن
 اظهاراتم عرض کردم که در دوره شانزدهم
 ما با آقای جمال امامی همکاری میکردیم برای
 یکی از روزنامه‌های طرفدار دولت این موضوع
 سوزده بسیار خوبی شده بود و حالا لازم است
 که بنده یک توضیح عرض کنم اکثر آقایان
 نمایندگان محترم که با بنده آشنا هستند می
 دانند که همیشه هر دولتی که زوی کار آمده
 است بعضی اینکه یک مختصر انحرافی از
 آن مشاهده کردم با آن دولت مبارزه کردم
 مثل حکومت هزیر مثل حکومت مرحوم
 رزم آرا که مدتی با همین آقای حائری
 زاده و آقای مکی، جناب آقای مهندس
 حسینی آنوقت تشریف نداشتند در مجلس
 متعصن شدیم گفتن پوشیدیم تا آن قانون
 مطبوعات را لغو کردیم که جریان آنرا
 خود آقایان دیده‌اید در مبارزه‌ایکه با
 رزم آرا میکردیم البته جناب آقای مصدق
 السلطنه و حضرت آیت الله کاشانی با ما همراه
 بودند ما با آنها همکاری نزدیک میکردیم
 جلسه‌ای داشتیم آقای حائری زاده و آقای
 مکی بودند با ما همکاری میکردند آقای
 دکتر بقائی بودند ما همکاری خیلی نزدیک
 داشتیم روزنامه آتش هم مورد توجه شخص
 جناب آقای مصدق السلطنه بود و اغلب
 وقتی روزنامه آتش توقیف میشد آقای
 مصدق السلطنه تشریف میآوردند پشت
 این تریبون و از روزنامه حمایت مفرمودند
 در موقعیکه انسان در یک جنگی هست
 در یک مبارزه‌ای هست هر کس در آن
 مسیر باشد خود بخود با او همکاری میکند
 آنروز آقای مصدق السلطنه مخالف با
 رزم آرا بودند بنده هم مخالف بودم با هم
 همکاری میکردیم و بعد اولین روزی که
 جناب آقای دکتر مصدق تشکیل حکومت
 دادند به هادت روزنامه آتش نوشتم که
 جناب آقای مصدق در یک جنگ سیاسی هست یک مرد
 فوق العاده هست ولی برای اینکار خوب
 هستی که در صف اقلیت مجلس بماند و
 ترمز کارهای خلاف دولتها باشد و سایر برای
 حکومت در مملکت کاری نمی توانید بکنید
 در همانروز اول با حکومت جناب آقای
 مصدق السلطنه مخالفت کردم و تا حالا هم
 مخالفت خود را تغییر ندادم البته ابتدای
 امر روزنامه‌های دولت بتدریج شروع
 کردند به نهفتن و فحش و افترا ولی من راه

خودم را رفتن و اهمیت ندادم پس از مدتی
 جناب آقای جمال امامی در مجلس شروع
 کردند بمخالفت بنده هم با جناب آقای جمال
 امامی نزدیکی نداشتم چیزی که بنده را با
 ایشان نزدیک کرد همان خط طیزی بود که
 با هم میرفتیم و قتیکه بنده دیدم ایشان هم
 در مسیر ما دارند میآیند با هم همکاری
 کردیم و هیچ عذر و تنگی هم نداشتیم همین
 طور برویه خودمان ادامه دادیم تا اینکه
 رسیدیم که عدم کثیری از آقایان جبهه ملی
 یعنی آنها بیکه اساس و بانی نهضت ملی
 بودند آنها بانی که پایه‌های نهضت ملی را
 بوجود آوردند آنها بیکه در دوره ۱۰
 اینجا مبارزه میکردند و جناب آقای دکتر
 مصدق السلطنه اینجا تشریف نداشتند و
 فضایی نفت را بوجود آوردند اینجا بامن
 هم عقیده شدند و نظر مخالف با دولت دادند
 البته ما هم خود بخود باین دسته همکاری
 کردیم و می‌کنیم و این امر باعث این
 شده که بعضی از روزنامه‌های طرفدار
 دولت مینویسند که میرا اشرافی همکار
 جمال امامی، آقایان میرا اشرافی دو سال
 هم با جناب آقای دکتر مصدق همکاری
 کرده دو سال هم با حضرت آیت الله کاشانی
 همکاری کرده است فقط اینرا برای خودشان
 سوزده کرده‌اند مطلبی که میخواهم بعرض
 آقایان برسانم این موضوع است و استدعا
 میکنم که جناب آقای قائم مقام هم توجه
 بفرمایند روزنامه‌ها می‌نویسند که آقای
 جمال امامی جاسوس انگلیسها است اگر
 آقای جمال امامی جاسوس انگلیس است
 خود آقایان در مجلس تشریف داشتند کسی
 که در مجلس تعارف زمامداری به جناب
 آقای دکتر مصدق کرد کی بود؟ آقای
 جمال امامی بود پس باید بگویم که خدای
 نکرده آقای دکتر مصدق السلطنه هم بدستور
 انگلیسی‌ها آمدند بنده که هیچ همچو حرفی
 نمی توانم بزنم ولی میخواهم عرض کنم
 هر کسی که مخالف دولت است فوراً متهمش
 میکنند بجاسوسی انگلیسها و خائن و خیانت
 پیشه در صورتیکه بنده هرگز افراد ایرانی
 را جاسوس نمی دانم همه خدمتگذار ایران
 هستند فقط اختلاف سلیقه دارند ولی فقط
 بنده از جناب آقای دکتر مصدق یک سؤال
 دارم و استدعا می‌کنم که جواب این مطلب
 را لطفاً بفرمایند که روزنامه‌های وابسته
 بایشان نوشته اند آیت الله کاشانی که امروز
 مایه فخر چهارصد میلیون مردم مسلمان است
 و مایه افتخار ملت ایران است و بایه گذار
 اسائن و بانی این نهضت است این شخص
 جاسوس انگلیسی‌ها است؟ بقائی جاسوس
 انگلیسی‌ها است همگی کسی بود که دزد دوره
 پانزدهم آقایان شاهد هستند بنده که نمودم
 در پشت این تریبون روزها استاده و صحبت
 کرد و گذاشت که آن قرار داد کدانی
 در دوره ۱۰ تصویب بشود امروز روزنامه
 شورش مکی یک کلمات در یک روز

می نویسد که من نمی توانم اینجا عرض کنم خجالت میکشم جناب آقای دکتر مصدق باید این مسئله را برای ملت ایران روشن کند که اگر دکتر بقائی و حائری زاده و مکی و قنات آبادی جاسوس انگلیسی ها هستند همه با ایشان همکاری میکردند و اگر این روزنامه پیغود نوشته است باید رسماً اعلامیه بدهند و جلوی اینگونه روزنامه ها را بگیرند و چیزی که هست دولت نباید ...

نایب رئیس - آقا وقت شما تمام شده است .

میر اشرفی - بنده سه دقیقه دیگر وقت دارم آقایان نگذاشتند که صحبت کنم باین روزنامه ها اجازه بدهد که اشخاص برجسته مملکت را اجنبی مالی بکنند و اشخاص خدمتگذار مملکت را فحش بدهند

مهندس حسینی - جناب آقای میر اشرفی این آواز دشتی بود؟

میر اشرفی - تغییر دشتی نبود ما هور بود (خسر و قشقای - کور اوغلی بود) آقای صفائی میفرمایند می خواستی بگوئی آوازی بشه وری بود .

صفائی - نه آقا دروغ میگویی

فرامرزی - یک چیزی بگو که حسینی بخورد .

نایب رئیس - آقای زهری بفرماید

زهری - عرض بنده بقیه عریضی است که در جلسه سه شنبه گذشته میخواستم عرض کنم و اجازه فرمودند جناب آقای جلالی هم چند دقیقه پیش اظهار لطفی فرمودند که اصولاً بنده لازم نمی دانم در مقام جوابگویی برآیم برای اینکه می دانم ایشان با حسن نیت کامل (صحيح است) بدون تردید با حسن نیت کامل آن اظهارات را فرمودند (صحيح است) بنده هم جناب آقای جلالی و جناب آقای دکتر سنجابی را که اصولاً سخن با ایشان است میخواهم تأیید کنم و تأیید هم کردم که آقای دکتر مصدق بزرگ همه ما بود ولی با کمال تأسف باید عرض کنم که بزرگی فرمودند بنده در جلسه هفته گذشته عرض کردم باز که شواهدی که آقای دکتر مصدق امروز دکتر مصدق فرض کنیم یک سال یا دو سال پیش نیست خیلی میل داشتم برای من کسی توضیح بدهد آن دکتر مصدق چه طور شده که اینطور شده است ما خودمان برای این ترتیب یعنی بنده خودم برای این ترتیب دلیلی دارم و آن اینست که

هر کجا طعمه ای بود شیرین

میکس و مارومور کرد آید

میر اشرفی - و حزب ایرانی ها آنها قهرت و توانائی این الوقت ها متعلقین و پیاپیوس ها را بطرف خود جذب کرد بطور خلاصه عرض کنم بعد از مدت کوتاهی که جناب آقای دکتر مصدق تمام قدرت های موجود را در دست گرفت فقط کسانی نراستند در اطراف پیشوای ما بنانند که

از شخصیت خود صرف نظر نمایند برای این کار برای صرف نظر کردن از شخصیت هم همیشه میشود بهانه در دست کرد و آقای دکتر مصدق هم بعد از مدتی در حکومت مطلقه فقط اشخاصی را میتوانست تحمل کند که مرتب بگویند صحیح میفرمایند و من باب مثال وزرای ایشان را از نظر بگذرانیم مندرت میخوام نظر من بهمه آقایان نیست ولی اکثریتشان در بی شخصیتی و بی ارادگی بتصدیق آقای دکتر مصدق سرآمدان

میراشند البته یکی دو تا هم آب زیر کاه در میان آنهاست که تفصیل دیگری دارد (عبدالرحمن فرامرزی - آنها هم که اند یعنی بی وزن هستند) من همیشه شب ۱۰ اسفند و آن جلسه خصوصی کذائی را که آقای نخست وزیر باینرا ما تشریف آورده بودند اغلب بیاد دارم اغلب آقایان هم حضور داشتند و یادشان هست که آقای دکتر مصدق بعد از شرح وقایع در حضور آقایان وزرا همه ای از بی عرضگی وزیران اظهار داشتند آن شب وقتی عکس العمل از آقایان وزیران ندیدم بموضوع چندان اهمیت ندادم ولی بعدها که جریان کارهای بعضی از وزارتخانه ها را شنیدم با خود گفتم که حق باد دکتر مصدق بوده است اگر اینها بی عرضه نبودند تحمل نمیکردند که مثلاً نایب رئیس با زرسی نخست وزیری که در میان افسران شهرت خاصی دارند بروز - نامه ها بگویند که من بهرج و مرج وزارت خانه ها خاتمه خواهم داد و همه وزارتخانه ها را زیر نظر خود خواهم گرفت اگر آقایان بی عرضه نبودند تحمل نمیکردند که یک با زرس بیاید و یک وزیری را که در مقابل مجلس مسئول است یک وزیر فرهنگی را که غیبتش بدون عذر موجه بود دوازده تومان و خرده ای جریمه بکنند این بی عرضگی و عدم لیاقت آقایان وزیران تقصیر کیست؟ (فرامرزی - تقصیر خداست که خلقشان کرده) بنظر من تقصیر کسی است که اینها را انتخاب کرده و بعد از این که اینها را آزمایش کرده نگاه داشته است و این دلیل بر این است که آقای دکتر مصدق دیگر نمیتواند با اشخاص با عرضه و با شخصیت همکاری کند و یک چنین اشخاصی را تحمل کند از روزی که جناب آقای دکتر مصدق - السلطنه قدر قدرت شده اند (میر اشرفی - و قوی شوکت -) فقط بلبه قربان گوها حق حضور در مقابل ایشان را دارند و نتیجه این وضع شده است که می بینیم وزارتخانه های مامبدل شده است بیک دستگاه مجهز برای تهیه گزارشهای ۶ ماهه و یکساله و دو ساله و غیره من میخواستم اگر آقای دکتر سنجابی اینجا تشریف داشتند خدمتشان عرض میکنم که ماعوض نشده ایم مادر جزئیات بهانه جوئی نمی کنیم مثلاً انتصاب آقای دکتر فلاح که در دوران انگلیسی ها هیچ دست فنی نداشتند و طبق اسناد موجود با اداره انتشارات شرکت سابق در تهران یعنی با اداره جاسوسی شرکت در تهران همکاری میکردند است شاید ظاهراً اهمیتی نداشته باشد ولی اگر

عکس العمل این انتصاب را در ده ها هزار نفر کارگر رنج دیده و صد ها نفر مهندس تحصیل کرده شرکت مطالعه نمایم با اهمیت موضوع بی میبریم و میفهمیم که این انتصاب که بقول آقای دکتر سنجابی ممکن است یک اشتباه باشد یک اشتباه احتمالی باشد چقدر ممکن است اسباب پأس و ناامیدی بشود و به تبلیغات آبادی انگلیس کمک کند که میگویند انگلیسی ها خودشان خواسته اند که نفت ملی شود (حسینی - این فرموده آقایان است) آقای دکتر فلاح رئیس استخدام شرکت بودند اداره! استخدامی که فقط کارشان استخدام بود بعضی وقت ها حکم استخدام میدادند آقای دکتر سنجابی تشریف ندارند این بهانه جوئی است (دکتر بقائی - آقای مهندس حسینی هستند) (مهندس حسینی - بلی البته هستم)

مایارسال هم بیعنی از انتصابات و بعضی اعمال آقای دکتر مصدق عقیده نداشتیم و ایراد داشتیم و وظیفه خود دانستیم که انتقاداتمان را بگوئیم ولی بارسال در روزهای آخر تیرماه حزب ما و روزنامه ما و خود ما و وظائف خود را در مقابل نهضت ملت ایران به بهترین وجهی انجام دادیم ده ها هزار نفر از مردم تهران در خیابانها و ده ها هزار نفر از خوانندگان روزنامه شاهد و مندرجات روزنامه شاهد هستند که در همان ایام در آخر تیر ماه در روزنامه ما مقاله آقای مکی همکار محترم و عزیز ما سا سو رسیده بود و در این که زیاد تند است و ممکن است بعداً اسباب زحمت بشود اگر آقای مکی بودند تصدیق می کردند آقای دکتر سنجابی به تیرهای سر مقاله سه سال پیشتر روزنامه شاهد بدون اینکه شاید قصد ناگفتنی داشته باشد بطور ناقص اشاره فرمودند چنین وانمود کردند که شمار ما همواره این بوده است کاندر پس مرک ما چه دریاچه سراب و بعد جمله ناقص دیگری را فرمودند که حرف مزید یکی است و ما را رفیق نیمه راه معرفی کردند حرف مرد البته یکی است چیزی که نا بخشودنی است مخصوصاً برای مسئولین امور لجاجت و با فشاری در اشتباه است حرف مرد یکی است من اجازه میخواهم از آقایان که عرض کنم بعلمت همین نظر بود که بنده هنگام طرح اعتبار نامه ها در همین مجلس هیچکس باندازه من برای خود مخالف تهیه نکرد ولی اکنون میتوانم ادعا کنم و بهمکاران محترم هم ثابت شده است که ایستادگی من مبنی بر لجاجت و غیاض خصوصی در آن روزها نبوده است آقای دکتر سنجابی که مقالات سه سال پیش روز نامه شاهد را هنوز بخاطر دارند مندرجات روزنامه مارا طی این سه سال بطور قطع فراموش نخواهند کرد و تصدیق می فرمایند که ما هیچوقت از اصولی که روز اول

مردم ایران بودیم و هستیم و افراد زیادی در این راه مدتی با ما بودند و از ما جدا شدند

با ما هستند و از ما جدا خواهند شد ما چه تقصیر داریم اگر شخصی که رهبری نهضت با وسیله شده بود نتوانست از تمام امکانات فرصتها برای رسیدن به پیروزی نهائی استفاده کند برای ما فروش چند صد هزار تن نفت یا چند میلیون تن نفت پیروزی نهائی محسوب نمیشود بنظر ما پیروزی نهائی وقتی بدست آید که از هیئت حاکمه فاسد و دست نشانده استعمار خلع ید گردد و حقوق مسلم میلیونها مردم زحمتکش این مملکت تأمین بشود آقای دکتر مصدق بخشید جناب آقای دکتر مصدق با آن قدرت و آن اختیارات آن پیروزی و آن افتخارات برای نبل باین منظور چه کرده است اگر آقای دکتر مصدق جاودانی بود و او گرامد بکند که هرگز اشتباه نمی کند و هرگز اشتباه نمی کرد همه ایرادها و انتقادات ما را می شد بهانه جوئی تلقی کرد ولی دکتر مصدق جاودانی نیست ملت ایران است که جاودانی است ولی دکتر مصدق اشتباه میکند منتهی دیگر هرگز با اشتباهات خود اعتراف نمی فرماید و آخرین جواب ایشان و مدافعت ایشان در مقابل انتقادات ما این است که بگویند همین است که هست این جواب هم که تصدیق می فرمائید قابل قبول نیست ما برای همین است که هست مبارزه نکرده ایم ما مبارزه کرده ایم و می کنیم که این است که هست عوض بشود جناب آقای دکتر مصدق نتوانست و هنوز ما شاید نتواند نهضت ملی ایران را بنام مقام موقعیتی که ملت ایران برایش فراهم کرد است زودتر به ثمر برساند ولی دوام و بقای نهضت بستگی با اشخاص ندارد بستگی بهیچ فرد بخصوصی ندارد اگر افراد منحرف شوند ملت دیر باز و آنها را خواهد شناخت و آنها را کنار خواهد گذاشت (صحيح است) تأثیر تبلیغات و طومارهای خونین ما بطوری که همه می دانیم خیلی موقتی است (دکتر بقائی - ما هر کور گرم رنگی میشود) آقای دکتر سنجابی فرمودند که اگر کارشکنی و اخلاک گریها نبود در مسئله نفت توفیق بیشتری بدست می آمد این موضوعه و این اگرها قابل بحث نیست و ادعای صرف الحث آقای دکتر شایگان جایشان خالی چندی پیش از پشت همین تریبون وعده دادند که اگر اختیارات فوری تصویب گردد کار نفت هم فوری سرانجام پیدا میکند (میر اشرفی - یعنی تا ۸ ساعت دیگر) و یک سند محرمانه هم برای اثبات این مدعا داشتند ولی اختیارات همان روز تمدید شد ولی از سند محرمانه از آن بوده و نتیجه منتظر ما هنوز اطلاعی پیدا نکردیم (دکتر بقائی - از قرار معلوم رفته اند بیاورند) (عبدالرحمن فرامرزی - رفته اند نتیجتاً بیاورند) و در مورد ستم مقاله سه سال پیش که آقای دکتر سنجابی قسمت هائی از آن را خواندند چیزی عرض نمی کنم جز این که بشر کامل

سرمقاله را در این جا تکرار میکنم تیر کامل این بوده است که . . .

نایب رئیس - آقای زهری وقت شما تمام شده است .

زهری - پنج دقیقه وقت میخواهم

نایب رئیس - سه دقیقه هم علاوه شده .

زهری - اجازه بفرمائید که از وقت ماده ۹۰ استفاده کنم .

نایب رئیس - بفرمائید .

زهری - این لطف آقای جلالی هست که يك ماده ۹۰ درست کردند که چند دقیقه استفاده کنم عرض میکنم که تیر کامل آن سرمقاله از این قرار بود که هنوز وقت آن نشده که بگوئیم اندر پس مرگ ما چه دریاچه سر آب و سوت تیرش این بود که شرکت نفت دوام خود را مدیون دوام یاس و بدبینی ما که خود ساخته است می باشد راجع به تاریخچه ملی شدن نفت و عقاید سه سال پیش ما و عقاید فعلی ما وقت و فرصت خواهد شد که در اینجا مفصلاً بحث شود نه تنها عقاید ما بلکه عقاید بسیاری از آقایان دیگر این موضوع را برای بعد می گذاریم فقط يك نکته می ماند و آن عقیده مانست به آقای مهندس حسینی است که چون حرف مرد یکی است باید عرض کنم در اصول تفسیری نکرده است مانند تمام آقایان نمایندگان محترم ایشان را مرد درست یا کدامن تحصیل کرده می دانیم (صحیح است) ولی چه میشود کرد ایشان همانقدر که ساده و پاکدل می باشند سریع التأثر و زود باور هم هستند (مهندس حسینی - بله بنظر شما) عرض کردم که بنظر بنده است عرض اولم نظر همه آقایان است و این دومی نظر بنده و خودمان را هم گول نمی زنیم که به آقای مهندس حسینی و امثال آقای مهندس حسینی اشخاص درستکار کاری بهشان رجوع نکرده اند و فقط آقای مهندس حسینی در جواب بعضی ها مصاحباتی می فرمایند مثل مصاحبه دیشب ایشان که در روزنامه کیهان بود که خواهش میکنم آقایان بخواهند (میراشرفی - کاری که بدهند بایشان دادند) (مهندس حسینی - بنده آن مصاحبه را ندیده ام با بنده صحبت کرده اند نوشته اند مصاحبه ای نبوده است اگر نوشته اند مصاحبه درست نبوده اگر مطلب غلطی باشد بمن مربوط نیست) (زنك رئیس)

نایب رئیس - آقایان بین الانین صحبت نفرمائید .

زهری - پس تکذیبش بفرمائید چون وقت بنده دارد تمام میشود آخرین مطلبی که میخواهم در اطراف آن چند کلمه بگویم موضوع قتل فجعیم رئیس سابق شهر بانی است نکته غریب و غیر منتظره در بیانات جناب آقای دکتر سنجابی مقایسه ایست که افتاد محترم

بنده و نمیدانم در اثر چه سلسله تفکراتی هنگام بحث در این موضوع از محاکمه تاریخی در یفوس یاد کرده اند آقای دکتر سنجابی در آغاز گفتار خود شلن متذکر شده اند که قبل از رسیدگی بمدارک در این باره اظهاری نمیفرمایند ولی قبل از رسیدگی بمدارک جز اظهار نظر در این باره کار دیگری نکردند ما تا امروز بخود اجازه ندادیم در مورد کیفیت تحقیق و تعقیب آن قتل فجعیم آنرا با چگونگی تحقیق و تعقیب یرونده تاریخی در یفوس مقایسه کنیم در صورتی که از بسیاری جهات قابل مقایسه است (عبدالرحمن فرامرزی - در تاریخ نوشته شده است) اکنون هم وقت این کار را نداریم و اینکه خدمت آقای دکتر سنجابی یاد آور میشوم که امیل زولانویسنده فرانسوی قبلاً از در یفوس نخواست که بیگناهی را ثابت کند که او بتواند از او دفاع کند زولا معتقد حق و عدالت بود پس از محاکمه در یفوس که منجر بمحکومیت او گردید زولا در صدد تحقیق برآمد مدارک محاکمه و اسناد و ادعای نامه دادستان و سوابق زندگی در یفوس را مطالعه نمود و یقین حاصل کرد که در یفوس بیگناه است و دامن همت بگریزد که بیگناهی را ثابت کند ، من از آقای دکتر سنجابی توقع ندارم که ایشان همانکاری را بکنند که زولا کرد ولی توقع داشتم که قبل از رسیدگی بمدارک درباره آقای دکتر بقائی اظهار نظر نکنند ، من اطمینان دارم و اطمینان پیدا کردم که بموقع خود اقلاً یکی از چهار مسئله مطرحه آقای دکتر سنجابی با ثبات خواهد رسید و وقتی که عدم مداخله و اطلاع آقای دکتر بقائی در این جریان ثابت شد آنوقت دیگر احتیاجی نخواهد بود که کسی پیدا شود و با دفاع خود دفاع زولا را از در یفوس تحت الشعاع قرار دهد (میراشرفی - آقای دکتر سنجابی شوقی کردند) آقای دکتر سنجابی در آن جلسه با کمال قدرت بیان خود خواستند شکنجه متهمین را که يك امر موهم و ثابت نشده ای توصیف کرده اند در مقابل قتل نفس ناچیز قلمداد کنند در صورتی که این مسئله احتیاج با ثبات نداشت موضوعی که اهمیت دارد این است که از خود بپرسید آیا متهمین را شکنجه کرده اند و اگر شکنجه کرده اند چرا . . .

عبدالرحمن فرامرزی - اینطور نیست شکنجه کردن در نظمی صدر مرتبه از قتل بدتر است ، نظمی و عدلیه باید مأمون مردم باشد قتل در همه جای دنیا میشود ولی دولت در هیچ جا حق ندارد شکنجه بدهد این حرفها چیست صدر مرتبه بدتر است (زنك رئیس)

زهری - ایشان يك وسیله داشتند که این ادعا را برای همه تکذیب کنند و مفتی را در این مورد تعقیب کنند رسوا سازند و آن این بود که میگذاشتند باز پرس

و نماینده دادستان طبق مقررات قانون فوری بعد از اعلام جرم دکتر بقائی متهمین را به بینند اگر این کار را کرده بودند ثابت میشد که ادعای اعلام جرم کنندم یوج و واهی است و مقصودش بدنام کردن مأمورین تحقیق میباشد (عبدالرحمن فرامرزی - دولت حق ندارد شکنجه بدهد) اگر این کار را می کردند برای متهم ساختن دکتر بقائی دیگر احتیاج بآنهمه تبلیغات رادیویی و مطبوعاتی پیدا نمیشد ولی اینکار را نکردند و با جلوگیری از اجرای قانون و ادعای بی اساس که دکتر بقائی میخواسته است متهمین را ملاقات کند ضعف موقعیت خود را به ثبوت رسانند ، اما اینکه چرا مرتکب شکنجه شدند؟ البته آقای دکتر سنجابی شکنجه در مقابل قتل جرم کوچکی است ولی اگر منظور از شکنجه تهیه افاریر برای متهم و محکوم ساختن يك بیگناه باشد شما باز هم آنرا يك جرم کوچک و ناچیز تلقی خواهید فرمود (دکتر سنجابی - نه) آیا باز هم در آنوقت دکتر بقائی را بآن جیب ببری تشبیه خواهید نمود که دستش را بیچانه انداخته (دکتر سنجابی - دست دکتر بقائی را که هنوز نیچانه انداخته) امر بفرمائید که ما خودمان بیچانیم، آیا باز هم آنوقت تبلیغات دولت را بر علیه يك متهم يك امر عادی تلقی خواهید فرمود، شما خواستید که اول ثابت شود که متهمین بیگناهند تا بعد ادعای شکنجه مؤثر و قابل توجه قرار گیرد يك چنین تقاضایی از شما استاد دانشگاه و قاضی يك محکمه عالی بین المللی بعیند است ، وظیفه مانست که ثابت کنیم که متهمین گناهکارند یا بیگناه ، وظیفه کلی همه ما شما و ما این است که نظارت کنیم تا در اطراف يك قتل فجعیم و جنایتی که اتفاق افتاده است درست تحقیق شود و مرتکبین جنایت هر که میخواهد باشد طبق مقررات قانونی تعقیب گردد و مجازات برسد ماجز این وظیفه نداریم ، آیا شما آقای دکتر سنجابی استاد دانشگاه قاضی محکمه عالی بین المللی ، نماینده مجلس و عضو کمیسیون قوانین دادگستری وظیفه دیگری هم در این مورد دارید؟ اگر ما بشکنجه متهمین اعتراض داریم باین جهت است که این عمل ممکن است باعث گمراهی عدالت بشود و سبب شود که مجرمین واقعی از چنگال عدالت فرار کنند، آنهایی که مرتکب این عمل میشوند میدانند که صرف اعتراف با شکنجه یا بی شکنجه به تنهایی نمیتواند در امور قضائی سبب و دلیل محکومیت بشود، مطلب مهمتر تصور نمیفرمائید توجیه یا کوچک ساختن اصل شکنجه متهمین در جامعه امروز قدم اول در راه برقراری دیکتاتوری و نابودی حکومت دیمکراتیک و حکومت مردم بر مردم است ، در مورد در یفوس که آقای دکتر سنجابی از آن یاد فرمودند قسمتی از مردم فرانسه فریب

سال مبارزه کردند تا توانستند برائت يك مرد بیگناه را ثابت کنند من اطمینان دارم که در این مورد ۱۵ هفته هم طول نخواهد کشید تا بیگناهی بقائی در نظر مردمی که انصاف دارند و در نظر خود سر کار عالی خود جناب آقای دکتر سنجابی ثابت گردد، يك سؤال هم راجع بوقایع دزفول داشتم که الان تقدیم میکنم

(۳) بیانات آقای قنات آبادی طبق ماده ۱۴۶ و آقای دکتر معظمی بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه)

نایب رئیس - وارد دستور میشویم آقای دکتر معظمی طبق ماده ۹۰ اجازه خواسته اند

شمس قنات آبادی - بنده اخطار دارم

نایب رئیس - طبق چه ماده ای؟

شمس قنات آبادی - ماده ۱۴۶ ،

اخطار بنده راجع بدم طرح قانون حکومت نظامی در مجلس شورای ملی است (صحیح است) چون بموجب خود همان قانون دولت مکلف است بلافاصله بعد ازیک هفته لایحه برقراری حکومت نظامی را بمجلس بفرستد و مجلس هم موظف است که در جلسه عادی یا جلسه فوق العاده قانون را مطرح بکند (مهندس حسینی - جلسه فوق العاده تشکیل بدهید) تشکیل نشده و حالا بنده علت این که چرا قانون حکومت نظامی مطرح نشده بیان میکنم و خلاصه باید عرض کنم که باستناد همین حکومت نظامی غیر قانونی دولت هر که را میخواهد میکشد، پریشپ رفته اند بمساجد، میریزند بهجاسات قرآن ، و رفته اند در جلسه هیئت قائمیه دانشمند محترم آقای شیخ محمد تهرانی را از منبر کشیده اند یا این و او را برده اند بشهر بانی، جرم این مرد این بوده که تفسیر قرآن میگویی، جرم این مرد این بوده که فرعونهای عصر را با فرعونهای گذشته تطبیق میکند این جرم این مرد بوده ولا غیر، این حکومت نظامی غیر قانونی و این بندهو بسته ها و گرفتگی ها همه اش جرم است ، آقای دکتر مصدق نمیتواند با این حربه ها بچنگ خدا برود

دکتر بقائی - آقای قنات آبادی جرم

او این بوده است که بمعایه اهانت کرده است ، چون معاویه قوم خویش ما را سر کار آورده بود

عبدالرحمن فرامرزی - کار بدی کرده بود که بمعایه اهانت کرده معاویه از صحابه پیغمبر است

نایب رئیس - آقای دکتر معظمی طبق ماده ۹۰ اجازه خواسته اند بفرمائید **دکتر معظمی** - بنده خیلی متأسفم از اینکه وضع مجلس شورای ملی ایران به مرحله ای رسیده است که کارش فقط طبق قبل از دستورات و از وظایف قانونگذاری بهیچوجه فشری نیست

شمس قنات آبادی - حقش را از

گرفته اند جناب آقای دکتر معظمی
صرفی زاده - کاری دیگر نیست
آقای دکتر معظمی
(زنك رئیس)

دکتر معظمی - امروز که روز هفتم
خرداد یعنی یکسال از دوره هفده مجلس
میگذرد اگر ما بخواهیم بیلانی به
ملت ایران ارائه بدهیم جز نطق قبل از
دستور، تهمت بیکدیگر زدن، همدیگر را
مفتضح کردن چیز دیگری نیست.

میر اشرفی - چرا لایحه اختیارات
را تصویب کرده

شمس قنات آبادی - دولت هم همین
کار را میکند

میر اشرفی - سرچشمه اش آقای
دکتر مصدق است

(زنك رئیس)

دکتر سنجابی - در این محیط که نمی
شود صحبت کرد.

نایب رئیس - آقای میر اشرفی صحبت
نفرمائید.

دکتر معظمی - از آقایان اعضای
فراکسیون نهضت ملی تمنی میکنم که
طرفداری نفرمائید بگذارید هر چه میخواهند
داد برنند چون من هم حوصله اش را دارم و
هم بعد از ملت ایران بقدری رشد پیدا
کرده است که بخوبی تمام جزئیات اعمال
مارا احتی اگر این جا سرفه کنیم یا عطسه کنیم
در نظر گرفته و فضاوت میکند (صحیح است)
بنابراین هیچ نگرانی نداشته باشید که بنده
را در این جافهش بدهند کتک بزنند شکنجه
بدهند زجر بدهند (میر اشرفی - در زندان
زجر میدهند) از عقیده ام دست بر میدارم و نه
از راهی که نهضت ملی ایران یعنی راهی که
ملت ایران در پیش گرفته دست بر میداریم
بنابراین تمنی میکنم که اجازه بدهید صحبت
کنم و آقایان هم هر چه فریاد کنند من یک
کلمه جواب نمیدهم پس بنابراین در مقابل
ملت ایران امروز که روز یکساله مجلس شورای
ملی است ما بجز حرف، تشجیج افترا بدهد دیگر
زیر پا گذاشتن مصالح مردم هیچ بیلانی نداریم
و حتی امروز یکی از آقایان نمایندگان گفتیم
که من خیال دارم که در آتیه نزدیک یکی یک
نطقی بکنم (میر اشرفی - آقای رئیس ماده
۹۰ چون من نماینده مجلس هستم باید
بیلان مجلس را عرض کنم) و بگویم که این
مشروطیت ایران و این راهی که امروز میرویم
آتیه خوبی ندارد بنده تا قسم از این است که
پس از ۷ سال و کالت یعنی چهار دوره نمایندگی
که سه دوره آن گذشته ۶ سال و از این دوره
هم یکسال گذشته ۷ سال است که وکیل هستم
و این دفعه اولی است که من از ماده ۹۰ استفاده
میکنم و ماده ۹۰ هم بمن اجازه نمیدهد که
در کلبه مذاکراتی که جناب آقای دکتر
بقائی فرمودند وارد شوم و صحبت بکنم
دکتر بقائی - مجلس شما اجازه
نخواهد داد

دکتر معظمی - خواهم گفت بنده
بعد از تعطیل راجع باوضاع مملکت و اینکه چرا ما از
دکتر مصدق پشتیبانی میکنیم نطقی در مقابل
ملت ایران خواهم کرد و امروز با اجازه آقایان
فقط جواب آقای دکتر بقائی را میخواهم عرض
کنم من اولاً متأسف هستم از اینکه پیر روز برای
اولین دفعه یک قدری از روی عصیانیت خارج از
وظیفه و کالتی و معمول خودم بی نزاکتی کردم
و گفتم با آقای دکتر بقائی یک وکیل که دروغ
میگوید من با آقای دکتر بقائی قبل از این
که به مجلس بیایم سابقه دوستی داشته ایم در
مدرسه و در اروپا و همینطور باید در ایشان و
همیشه روابط ما با کمال دوستی و احترام بوده
در این جا هم که این حرف را زدم از شدت
عصیانیت بوده است و مبتنی بر یک دلایل و
سوابقی است که بنده بایشان گفتم دروغ می
گوئید و علت این بود که ایشان فرمودند ما
نیایی کردیم که تغییر رژیم بشود و بعد دلایلی
هم برای اظهارات خودشان فرمودند که
من آنها را یکی یکی عرض آقایان میرسانم
اولاً استنادی که من بماده ۹۰ کردم از چند
جهت است یکی راجع بکلمه که من بایشان
گفتم دروغ میگوئید یکی هم راجع باینکه
ایشان بماد و فراکسیون نهضت ملی اسناد
دادند که ما در تغییر رژیم میخواهیم شرکت
بکنیم و بعد هم راجع بگزارش هیئت هشت
نفری که چون بنده شرکت داشتیم مطالبی را
که ایشان فرمودند چون یک قسمتش را
فرمودند و با بظطرشان نبود و برای روشن شدن
اذهان مردم ضروری است عرض میکنم این
است که بنده مطالبی را چند قسمت میکنم
یکی راجع بجزایر دعوتی که از طرف دربار
از طرف فراکسیون نهضت ملی شده است
و یکی هم راجع بگزارش هیئت هشت نفری
اولاً میخواهیم عرض کنم که جناب آقای
دکتر بقائی جنابعالی میدانید قسمتهائی از
فرمایشات جنابعالی ارقبیش مفاطه و جدل و
سفسطه بود و این البته یکی از اقسام خطابه
است و در موارد معینی البته مستحسن است ولی
در یک مجلس رسمی و پارلمانی چون این قسمت
ممکن است در نتیجه اینکه در اذهان کسانی
که آشنا با وضع نیستند یک سوء تفاهاتی ایجاد
بکند و با آبرو و حیثیت یک کده ای هم تماس داشته
باشد، بعقیده بنده این طرز استدلال صحیح نبود
جنابعالی در استدلالی که فرمودید دو قسمت
فرمودید یکی اینکه فراکسیون نهضت ملی
وارد این جریان بوده و اطلاع داشته است
و میخواهیم عرض بکنم که فراکسیون نهضت
ملی را دو قسمت بفرمائید مادر آن موقع ۳۰
نفر بودیم یک قسمت ۲۳ نفری و یک قسمت
۷ نفری آن قسمت ۲۳ نفری بهیچوجه وارد
نشدند یعنی اصلاً اطلاع نداشتند و حتی در
فراکسیون نهضت ملی راجع بمسافرت
اعلیحضرت هایونی اصلاناً یعنی شونده آقایان
اطلاع داشتند و آقایان را بجزریان گذاشتیم
میر اشرفی - خیلی چیزها آنجا بحث
نمیشود ولی بنام فراکسیون عمل میشود

دکتر معظمی - این ۲۴ نفر اطلاع
نداشتند و می خواهم عرض بکنم این
آقایان هیچ کدام از مردانی نیستند که وارد
این تپائی ها بشوند مردمان شریفی هستند و
در یک مبارزه سختی وارد گشتند و من
بگو کلین این آقایان تبریک میگویم که
نمایندگانی فرستاده اند در این جا در این
نهضت کاملاً کمک می کنند و این آقایان
هم علاوه بر اینکه وارد نیستند همه شان در
پشت این تریبون بقران معیذ قسم خورده اند
که بقانون اساسی خیانت نکنند

حمیدیه - پس اختیارات خیانت نبود
آقای دکتر ؟

شبه ستوری - اختیارات موافق قانون
اساسی است

دکتر معظمی - و با اساس قانون
اساسی و بمقام سلطنت هم خیانت نکنند
و همه شان چون مردان شریفی هستند مسلمانند
یا بنده بقسم خودشان هستند و هر وقت هم
صحبت شده است در فراکسیون همگی علاقه
خودشان را بمقام سلطنت مشروطه با کمال
وضوح و بدون تردید ابراز داشته اند
(صحیح است) علاوه اعلامیه های متعددی
که بعد از نهم اسفند و قبیش از طرف
فراکسیون نهضت ملی صادر شده است همه
حاکی از این نیت پاک آقایان نمایندگان
است پس بنابراین این ۲۴ نفر را من
کاملاً مجزی میکنم بجهت اینکه هیچ
اطلاعی نداشتند و اما میباید راجع به ۷

نفر دیگر، اسامی آن ۷ نفر را میخوانم
تا آقایان بدانند آقای میلانی، آقای جلالی
آقای دکتر سنجابی - آقای پارسا،
آقای حاج سید جوادی، آقای دکتر
شایگان، معظمی، این ۷ نفر در واقع
بجزریان مسافرت شاه قبل از نهم اسفند
مسبوق شدند و طریق مسبوق شدن آن را
الان جزئیاتش را بعرض جنابعالی میرسانم
که جنابعالی هم واقف شوید که اگر
اشتباه و سوء تفاهم باشد چون یقین دارم بی
انصافی نخواهد کرد این قسمت را قبول
خواهید کرد و همین قدر بدانید که نیایستی
یک اشخاص محترمی را آنهم بطور دسته
جمعی مورد اتهام قرار بدهید و جنابعالی
ختماً مسلمان هستید و میدانید که یکی از
آیات بزرگ قران این است که میگوید یا
ایهاالدین آمنوا جتنوا کثیرا من الظن
ان بعض الظن اثم (دکتر بقائی - این را به
آقای دکتر مصدق و رلدیو هم بگوئید)
(عبدالرحمن فرامرزی - رادبو که مسلمان
نیست) (خنده نمایندگان) ملاحظه بفرمائید
که در قران کریم بعضی از ظن هارا گناه
کبیره میدانند تاچه برسد باین که شما
بیایید این جا یکمده اشخاص ۳۰ نفری را
در مجلس که یک مدتی با آنها همکاری
میکند، مدتی باهم همقدم بوده اید بیایید
آنها را تهمت بزنید که وارد تپائی بوده اند
جناب آقای دکتر بقائی خودتان میدانید

اشخاصی مثل آقای میلانی که من این شهادت
را باید بملت ایران و مخصوصاً مردم آذربایجان
بدهم که یکی از اشخاصی هستند که اسباب افتخار
مجلس هفدهم هستند (صحیح است) مردیست
فاضل، عالم ربانی، با تقوی با فضیلت و هیچ
چیزی منظور ندارد جز این که در این
مدتی که در مجلس است بتواند خدمت
کند.

دکتر بقائی - کاملاً صحیح است
ولی رو دست خورده و آلت شده اند.

میر اشرفی - صحیح است راجع
بجواز جو و برنج هم ما از آقای میلانی چیزی
نشنیده ایم.

دکتر معظمی - این آقای جلالی
که در حضور جنابعالی هستند مردیست که
همه آقایان می دانند مورد اعتماد صحیح -
العمل فاضل، دانشمند

دکتر بقائی - کاملاً درست است ایشان
هم رو دست خورند

دکتر معظمی - همه را می دانید
این آقای حاج سید جوادی که جزء این
۷ نفر بودند ملاحظه بفرمائید مردی است
دانشمند، بی نظر با تقوی و مردی نیست
که موافق تغییر رژیم باشد و بیاید تپائی
کند.

عبدالرحمن فرامرزی - نور از
صورتش میبارد.

دکتر معظمی - همچنین آقای دکتر
شایگان، دکتر سنجابی، آقای پارسا
همه را ملت ایران و مردم می شناسند،
اینها اشخاصی هستند که خود جنابعالی و
آقای شمس قنات آبادی مکرر در روزنامه
های خودتان در آغاز انتخابات تهران
مکرر اعلامیه صادر فرمودید که مردم
تهران باین اشخاص رأی بدهند درست است
یا نه؟

دکتر بقائی - آنوقت خیال تغییر رژیم
نداشتند.

دکتر سنجابی - گناهشان این بود که
باشما هم عقیده نبودند.

دکتر معظمی - یکی هم خود بنده
که جنابعالی خوب مرا میشناسید اهل تغییر رژیم
نیستم و بنابر این می خواهم عرض بکنم
یک کسیکه اهل انقلاب باشد یا اهل کودتا یا اهل
تغییر رژیم باشد بجهت وقت خودش را تلف نکند
که سراغ من بیاید برای اینکه من اهل
هیچکدام از اینها نیستم من در حدود قانون
اساسی و مشروطیت مبارزه میکنم و از روزی
هم که اینجا وارد شدم همانطور که میدانید از
اول آنطوریکه بعقیده خودم و بمقتل خودم
میرسد کاملاً از راه صحیح وارد شده ام و بگویم
اشتباه نکردم و اگر هم اشتباه کرده باشم
سوء نیت نداشتیم پس بنابر این این اشخاص

اشخاصی نبودند که وارد يك تبانی بشوند، توجه فرمائید آقای دکتر این نهمتی که جناب عالی زدید که ما وارد تبانی شده ایم همین علت عصبانی شدم و گفتم که دروغ میگویند مقصودم این بود که اشتباه می فرمائید، توجه فرمائید نخواستیم فرمایشات جنابعالی را تکذیب کنم، پس بنابراین در این جریان کاملاً جنابعالی بی انصافی فرمودید و امیدوارم که این سوء تفاهم کاملاً رفع شود.

د کتر بقائی - جواب فرمائید
د کتر معظمی - یکی یکی جواب میدهم و حتی جنابعالی اگر نظرتان باشد دوسه مرتبه در این جریان مجلس از من سؤال فرمودید که واقفان کتر معظمی اگر نقشه تغییر رژیم بود با هم اطلاع بدهید یکدفعه در این راهروی مجلس و یکدفعه در کلبه بیرون خارجه و باز هم یکدفعه در راهروی مجلس بنده جنابعالی عرض کردم فول شرافت شما میدهم که همچو چیزی نیست، مصدق السلطنه همچو مردی نیست.

میر اشرفی - ایشان باید این قول را بدهند یا اینکه شما باید و کالت نامه داشته باشید.

د کتر معظمی - و گفتم جناب آقای دکتر بقائی من قول شرافت شما میدهم که اگر روزی حس کردم که همچو چیزی باشد من خودم جداً با این فکر مبارزه خواهم کرد صحیح است یا نه؟ من شما گفتم که اگر يك وقتی همچو فکری ایجاد بشود اول کسیکه از قدرت قانونی خودش برای مبارزه اینجا استفاده بکند شخص من خواهد بود و با این سابقه توقع نداشتم که جنابعالی بیائید بطور دسته جمعی تهمت بزنید و بملاوه درسی ام تیر نظر آقایان هست که همه آقایان با کمال صمیمیت مبارزه میکنند و من امروز خیلی متأسفم و مکرراً گفتم که اشخاصی که روز ۳۰ تیر با هم بودند و مبارزه میکردند و يك هدف مقدس داشتند امروز همه ای از آنها را من متفرق می بینم.

شمس قات آبادی مبارزه نکردیم که فلاح بیاید سر کار.

د کتر معظمی - همه مبارزه کردند جنابعالی مبارزه کردید (اشاره با آقای قات آبادی) مجاهدین اسلام مبارزه کردند بنده شهادت میدهم زحمتکشان مبارزه کردند اجزب ایران مبارزه کردند و سه روز تو استیم شهر را حفظ کنیم و آبروی ایران را حفظ کردیم، در همان موقع هم جناب آقای دکتر بقائی شاهدند که ما گفتیم اگر ایراداتی بدر بار باشد بستی اطرافیان اصلاح شوند و برای تغییر رژیم حاضر نیستیم، صحبت تغییر رژیم در این بین بود.

افشار صادقی - بوده است آقای دکتر جنابعالی اطلاع نداشتم (زنک رئیس)

د کتر معظمی - این را بجناب آقای دکتر بقائی گفتم آقای دکتر بقائی هم عیناً تأیید فرمودند اگر اصلاحی در اطرافیان باید بشود در اساس نباید تغییری داده بشود و لطمه ای وارد بیاید.

میر اشرفی - آقای خسرو قشقائی هم همین عقیده را دارند؟
(زنک رئیس)

نایب رئیس - بین الاثنین صحبت فرمائید

د کتر معظمی - پس این بود بطور خلاصه آنچه در مقدمه خواستم عرض کنم اما راجع بجزریان دعوتیکه از طرف فرا کسیون نهضت ملی بعمل آمد تا روز ۹ اسفند چون جناب آقای دکتر مصدق هم در نطق خودشان در جلسه خصوصی دوسه مرتبه اشاره بمن کرده بودند من اتفاقاً خیلی خوشوقتم که جناب آقای دکتر بقائی موضوع را تکرار کردند که من یکمرتبه برای اینکه سوء تفاهمی ایجاد نشود جریانی را آن طوریکه هست بعرض آقایان برسانم در ابتدا خدا را بشهادت میطلبم که آنچه می گویم آنطور است که واقع شده ممکن است حافظه ام اجازه ندهد که بعضی جزئیاتش را بگویم ولی آنطوریکه واقع شده بعرض آقایان میرسانم.

یکروز در فرا کسیون نهضت ملی ما جلسه داشتیم جناب آقای علاء که من ایشان را مرد شریفی میدانم و مردم محترمی میدانم بهش هم علاقه دارم چه در زمانیکه در یاریس بودند سرپرست ما بودند و چه این جا که آمدیم در قسمت تقسیم املاک با ایشان کار میکردیم و بنده لطف داشتند تلفن فرمودند که من یکمده از آقایان منفردین را دعوت کردم بدر بار شما هم بیائید چند نفر دیگر هم بیایند بنده بایشان عرض کردم من چون عضو فرا کسیون نهضت ملی هستم دعوت انفرادی رانسی توانم قبول کنم و اگر مصلحت میدانید من بفرما کسیون بگویم که من را دعوت کردند، بعد بنده آمدم در فرا کسیون مطرح کردم که جناب آقای علاء یک چنین تلفنی کردند ایشان تلفن را گذاشتند زمین مجدداً تلفن کردند که حالا که اینطور است از طرف فرا کسیون نهضت ملی يك عده ای را دعوت کنید که بیایند بدر بار من آمدم از طرف آقای علاء بعرض فرا کسیون رساندم و آقایان اعضای فرا کسیون نهضت ملی هفت نفر را تعیین کردند که بنده هم یکی از آنان بودم ولی بنده اصرار کردم که بنده را نفرسوند اما آقایان اعضای فرا کسیون نهضت ملی با اتفاق فرمودند که چون اعلیحضرت همایونی شما لطف دارند آقای دکتر مصدق هم شما لطف دارند و ما علاقمند هستیم که این اختلاف موجود به طرز خوبی رفع بشود شما هم محتماً باید بروید.

د کتر بقائی - تاریخش را هم

فرمائید.

د کتر معظمی - عرض کنم یا اواخر همین یا اوایل اسفند

نایب رئیس - آقای دکتر معظمی وقت شما تمام شده

د کتر معظمی - حقیقتش این است که بنده خیلی دلم میخواهد این مطالب را بگویم.

د کتر بقائی - اجازه فرمائید بگویند که بعد بهانه نیآورند که بما وقت ندادند دلایل اتهام را رد کنیم چون تا حالا جوابی ندادند دوساعت ما وقت میدهم

نایب رئیس - چندتر وقت می خواهد.

مکی - هر وقت که صحبتشان تمام شود.

د کتر بقائی - تمام محدود وقت میدهم

د کتر معظمی - بنده صحبت خودم را تمام میکنم ولی يك سابقه را ایجاد فرمائید که برای ماده ۹۰ اجازه نامحدود باشد بنده بکریع بیست دقیقه وقت می خواهم

د کتر بقائی - يك ساعت وقت میدهم

د کتر معظمی - يك ساعت زیاد است این ساعت کافی است

د کتر بقائی - استفاده نکنید بقیه اش را بنده بدهم

نایب رئیس - آقایان یک موافقت نیمساعت آقای دکتر معظمی به بیانات خودشان ادامه بدهند قیام فرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد

نایب رئیس - فرمائید
د کتر بقائی - ما بعد از نیمساعت باز بهشان وقت میدهم

د کتر معظمی - بعد ۷ نفر از آقایان که همین شدند روز بعد ما بدر بار رفتیم صبح وقتیکه در بار رفتیم جناب آقای علاء عنوان کردند باینکه جناب آقای دکتر مصدق روز جمعه آقای میلانی و آقای ملک مدنی و آقای دکتر شایگان را خواسته اند و یک اظهاراتی کرده اند (د کتر بقائی - کی هارخواستند) جناب آقای میلانی و جناب آقای دکتر شایگان و جناب آقای ملک مدنی را بعد فرمودند که من یک مطالبی داشتم (د کتر بقائی - مطالب را بفرمائید ضرر ندارد) آقایان همه شنیده اند تکرارش لزومی ندارد. فرمودند چون اعلیحضرت همایونی همیشه کابینه آقای دکتر مصدق را تأیید و تقویت فرموده اند خیال می کنم سوء تفاهم هائی شده است و خیلی مایل هستم که این سوء تفاهمات بترتیبی مرتفع شود اینجا مذاکره خیلی زیاد شد مطالب بحث شد گفته شد و بعد کار طوری طول کشید تا اینکه ناچار ما را در دربار نگاه داشتند و بعد از نهار هم که در اطراف مطالب صحبت شد هیچ فرمول معینی در واقع پیدا نشد، بعد از ظهر آقای علاء پیشنهاد کردند که ما ۷ نفر شرفیاب بشویم در آن موقع یکی از آقایان

اعضای دربار که آقای والاتیار باشد در ضمن صحبت موضوع مسافرتی را که اعلیحضرت يك وقتی میخواستند بروند صحبتش را کردند ولی مورد بحث واقع نشد (د کتر بقائی - قول را هم آن جا گرفتند؟) اجازه فرمائید قول را هم عرض میکنم همه مطالبی یکی یکی عرض می کنم ناچار را که خوردیم آقای علاء فرمودند که فعلاً خوبست حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب بشویم آقای دکتر شایگان یا در خان بخیر فرمودند که حقیقت این است که ما هنوز فرمولی فکر نکردیم که برویم پیش اعلیحضرت و اینهم برخلاف ادب است که برویم آنجا يك مطالبی بگوئیم بعقد من چون هنوز نتیجه نرسیده است خوب نیست بدون اینکه مطلبی تمام شده باشد برویم حضور جناب آقای علاء فرمودند بهتر است که مطالب اعلیحضرت همایون را صفاً بفرمائید گفتیم بسیار خوب ساعت دو و نیم بعد از ظهر بود که ما خدمت اعلیحضرت همایونی شرفیاب شدیم و در آنجا هم از صحبت از مطالب جناب آقای دکتر مصدق بمیان آمدم و بعد هم اعلیحضرت همایونی فرمودند که من همیشه از آقای دکتر مصدق طرفداری و پشتیبانی کرده ام و بعد هم بطور مذاکره طول کشید تا مقارن ساعت ۷ بعد از ظهر بود که در واقع موضوع مذاکره مطالب ما بدون نتیجه ماند و ما از حضور اعلیحضرت همایونی مرخص شدیم که بیائیم دسته جمعی خدمت آقای نخست وزیر (د کتر بقائی - اجازه بفرمائید يك سؤال بکنم)

نایب رئیس - نخیر آقایان فرمائید سؤال را بعد بفرمائید.

د کتر معظمی - قبل از اینکه بخواستم بیائیم اعلیحضرت همایونی قبلاً تشریف بردند و بعد آقای علاء با چند نفر که آنجا بودیم مذاکره کردند و خلاصه سعی ایشان این بود که راه حلی پیدا بشود ولی ما ۷ نفر تمام سعیمان این بود که اگر اعلیحضرت همایونی و د کتر مصدق با هم رو برو شوند خودشان بهتر مطالب را میتوانند حل کنند فرمولی که این ۷ نفر دنبالش بودند سعی داشتند این بود که وسایلی پیدا کنند که این ۲ نفر با هم بنشینند مطالب خودشان را حل کنند تا اینکه ما رفتیم منزل آقای دکتر مصدق در آنجا مشغول مذاکره بودیم که جناب آقای علاء تلفن فرمودند و از ما چند نفر که نشستیم بودیم بنده را خواستند بای تلفن بدهم تا بطور که آقای دکتر بقائی فرمودند بنده همیشه رویه احتیاط را پیش می گیرم همانجا با آقایان گفتم خوبست يك نفر دیگر از آقایان بروند بای تلفن عین حقیقت را عرض میکنم همه آقایان فرمودند شمارو بد بدهم و رفتیم بای تلفن جناب آقای علاء فرمودند که اعلیحضرت همایونی چند وقت پیش میخواستند بروند مسافرت فعلاً ما برای مسافرتشان هستند بنده آمدم (د کتر بقائی - سؤال اگر چکن دارم که روشن میکنم مطالب را) اجازه فرمائید بنده آمدم در اطراف واقع این حرفت را عرض خواستم بگویم بعد بفرمائید آقای دکتر

شایگان و آقای یارسا و آقای دکتر سنجابی عرض کردم که آقای علاء یک چنین مطلبی فرمودند و من مصلحت میدانم که این حرف را بزنیم و گفتم این قسمت را به آقایان بگوئیم یا خبر آقایانهم فرمودند که بگویند این مطلبی بود که آقای دکتر مصدق بنجوی تعبیر فرمودند که فلانی آمد و یک نجوایی کرد (دکتر بقائی - النجوی من فعل الشيطان) و بعد که ما این حرف را بفراسه زدیم گفتیم به آقایان دیگر بگوئیم بعد هم بنده

جناب آقای میلانی و جناب آقای جلالی و سایرین گفتم که آقایان هم تأیید فرمودند نظر بنده را که خودشان بیایند بگویند و یک مطلبی را که جناب عالی فرمودید بنده اضافه میکنم بنده خودم رفتم در بار و جناب آقای علاء گفتم که شما خودتان بیایید مطلب را بگوئید تصادفاً در بین راه که پیاده می-رفتم آقای ابوالقاسم امینی که فعلاً کفیل دربار است برخورد کردم با ایشان گفتم یک روز کاری داریم که صبح تا غروب می‌دوریم باز یکمده ای با محاسبات میکنند بد هم ما می‌گویند و خدا نکند کسی باین روز کار بیفتد امروز معلوم نیست چه میکنیم و چه شده ایم و حالا هم گرفتاری داریم و نمی‌دانیم چه بکنیم این حرف را زدم و گفتم همین بدبختی هم یک عده ای حسادت می‌برند (میر اشرفی - آنوقت که آقای امینی کفیل دربار نبودند آنجا چکار میکردند) توی راه بود ایشان میرفتند منزل شاهپور عبدالرضا چون با جناب والا حضرت شاهپور عبدالرضا هستند خلاصه رفتیم و به آقای علاء عرض کردم خودتان بیایید بگوئید آقای علاء گویا شرفیاب شد یا اینکه اعلیحضرت همایونی اطلاع پیدا کردند که بنده آمده ام بنده را در کتابخانه احضار فرمودند در آنجا که شرفیاب شدم راجع به مسافرت فرمودند من مدت ها بود قصد مسافرت داشتم همان حرفی را که آقای دکتر شایگان گفتند که اعلیحضرت فرمودند مدت ها بود قصد مسافرت داشتم اول صحبت مسافرت شد و بعد راجع به تقسیم املاک صحبت کردند فرمودند که شما مرتب اینجا می‌آئید من خیلی ممنون هستم و این قسمت را من بهش هلاقه دارم باید همینطور دنبال کنید در اینجا باید عرض بکنم من مخصوصاً تنها رفتم از آقای علاء خواهش کردم که ایشان هم بیایند و بعد ما رفتیم خدمت آقای دکتر مصدق با آقای والاتباع و آقای علاء (دکتر بقائی - آن شش نفر آقایان آنجا بودند) اجازه بدهید عرض کنم وقتی ما رفتیم آنجا آقایان از اطاق آمده بودند بیرون بنده و آقای والاتباع و آقای علاء آنجا نشستیم و در ضمن اعلیحضرت همایونی یک مطلب دیگری هم بمن فرمودند که من آنجا مطرح کنم مطلبی را که با مسافرت بود فقه آنجا ابتدا این قسمت را یادآوری کردم به آقای علاء که این قسمت را به آقای دکتر مصدق بگویند بنده هم بعد

از گفتن این صحبت باشم درست توجه کنید در ابتدای صحبت که هنوز صحبت نشده بود آن مطلب را بنده گفتم و بعد بنده هم باشم آقایان سه چهار نفرشان توی اطاق مجاور اطاق آقای نخست وزیر بودند و چند نفرشان آمده بودند به مجلس که چون فرا کسیون نهضت ملی در مجلس منتظر بود ما هم آمدیم به مجلس که آمدیم ما چند نفر با هم مشورع کردیم که آقای علاء این قسمت را قول گرفتند باینکه اصلاً نیاستی فاش بشود و باقیه مجرمانه بودن این قسمت را قول گرفتند (دکتر بقائی - کدام قسمت؟) قسمت مسافرت را قول گرفتند از آقایان و گفتند که بهیچ وجه اعلیحضرت همایونی حاضر نیستند و راضی نیستند که هیچکس از این مسافرت اطلاع حاصل کند (دکتر بقائی - من از این قسمت اتخاذ سند میکنم) این قسمت به آقایان گفته شد و بعد هم (مکی - چرا؟ مگر شاه مملکت می‌خواستند فرار کنند؟) (میر اشرفی - می‌خواستند فرارش بدهند) (بهادری - قول گرفته بودند که مجرمانه باشد) عین حقیقت است که من عرض میکنم بعد آمدیم در فرا کسیون یعنی در آنجا با هم صحبت کردیم و قرار شد که بعد هم دیگر ملاقات کنیم در فرا کسیون هم به آقایان ابلاغ کردیم که ماتم اسمی و کوششی که کردیم این بود که اعلیحضرت همایونی و آقای دکتر مصدق با هم دیگر ملاقات کنند و پس از ملاقاتی که کردند این اختلاف مرتفع شود (دکتر بقائی - سؤال من مال پیش از فرا کسیون است آقای علاء در مصاحبه مطبوعاتی خودشان فرمودند که سه نفر از آقایان فرا کسیون نهضت ملی گفتند صلاح این است که اعلیحضرت از کشور بروند و آن سه نفر هم تکذیب نکردند تا حالا که دو ماه از مطلب گذشته تکذیب نشده در روزنامه‌ها) چرا تکذیب کردند در روزنامه‌ها (میر اشرفی - قرار باز پرس هم تکذیب شد ولی دوروز بعد عینش چاپ و منتشر شد) دیگر فرمایشی ندارید آقای میر اشرفی؟ آن قسمت را هم مراجع فرمائید از طرف فرا کسیون نهضت ملی مفصلاً تکذیب شده که عبارتش را آقای دکتر سنجابی در اختیار آقایان خواهند گذاشت اما اینکه فرمودند روز شنبه چرا بنده رفتم دانشکده حقوق حقیقتش را می‌خواهید بنده ۷ سال است که وکیل هستم در این مدت همیشه ساعتی بوده‌ام که در سرمه مرتب بدهم همیشه هم رفتم حتی در بازار سهای امتحانات که دعوت می‌شود من می‌روم و افتخار هم میکنم چون بالاخره من شغل دائمی خودم را همان شغل تدریس می‌دانم و به این کار هم افتخار میکنم و بعد هم آن روز اصلاً از طرف فرا کسیون دعوتی نگذرد بود و فرا کسیون آنروز رسمی نبود فقط از اشخاصی که در جلسه خصوصی اطلاع پیدا کرده بودند تشکیل شده بود

و دعوت جلسه خصوصی هم بمن نرسیده بود و علاوه اگر هم رسیده بود بشما عرض کنم که بعد از ۷ سال تجربه که میدانم جلسات خصوصی مجلس شورای ملی بچه صورت است هر وقت درس داشته باشم ترجیح میدهم که بروم درس تا اینکه بیایم در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی چون من در این چند سال از جلسات خصوصی مجلس فقط یکی دو مرتبه دیدم به نتیجه رسید یعنی نصف نتیجه یکی آن جلسه خصوصی بود که در نتیجه مساعی آقای مکی که بایک حسن نیت کاملی فرمودند که اختلافات در بار دولت باید مرتفع بشود باین صورت که هر دو نفر یک نفر را معین کنیم از من هم خواهش کردند که کمک کنیم و ۸ نفر معین شدند و آن ۸ نفر هم آمدند و این گزارش را تهیه کردند و خود جناب عالی هم بودید و سایرین سوء نیتی هم در کار نبود (دکتر بقائی - ساعت درستان از چه ساعتی شروع می‌شود و تا چه ساعتی است؟) درس من از ساعت ۱۲ تا ساعت ۱۴ است ده سال است برنامه‌های درس من شنبه و دوشنبه است و بنابراین بنده از جلسه خصوصی اطلاع نداشتم و اگر هم اطلاع می‌داشتم نمی‌آمدم و علاوه بر این اگر خبر مسافرت را می‌شنیدم برای من تعجب آور نبود برای اینکه ۸ روز بود که من میدانستم که اعلیحضرت میخواهند بروند حتی آنروز هم پیاده از دانشکده حقوق می‌آمدم و اولین کسی که آن روز توی راه به من رسید آقای عنایت سردقتر بود داشتند بنزین می‌گرفتند گفت شنیدم اعلیحضرت همایونی استعفا داده‌اند و می‌روند (عبدالرحمن فرامرزی - ایشان مگر می‌خواستند استعفا بدهند؟) نه خیر عنایت اینطور می‌گفت من همانطور پیاده آمدم منزل مادرم که نزدیک منزل آقای دکتر مصدق است و آن هیاهو را آنجا شنیدم و بعد از ظهر هم که بنده تلفن کردم گفتند که فرا کسیون هست اما مطالبی که جناب عالی بهش استناد فرمودید چند مطلب است یکی اینکه نمایندگان فرا کسیون نهضت ملی اطلاع نداشتند بنده اقرار میکنم که اطلاع نداشتند و این عدم اطلاع آنها با اطلاع آنها هیچکدام دلیل بر تغییر رژیم نخواهد بود یک قسمت دیگر هم فرمودید که مذاکرات را ما مجرمانه نگاه داشتیم و چرا مجرمانه بود نه در این قسمت در هر قسمتی وقتیکه تقاضا شده که مطالب را مجرمانه نگاه داریم مجرمانه نگاه داشته‌ایم مثلاً راجع به گزارش هیئت هشت نفری جناب آقای مکی فرمودند که حق ندارد بدقیل از اینکه منتشر بشود بفرما کسیون گزارش بدهید تا شبی که جناب آقای مکی در جلسه قرائت فرمودند گزارش آن فرا کسیون داده شد و اگر بحرف ایشان گوش داده بودیم و در مجلس قرائت شده بود کار باینجا میرسید (عبدالرحمن فرامرزی - فایده اش چه بود که میخواهند آقای دکتر؟) بعد عرض میکنم ایشان اصرار کردند که ما کاری نگردیم این بیاید این گزارش را

می‌خوانیم که تمام بشود این راجع به معرمانه ماندن بعد هم یکی از دلایل جناب عالی رفتن بنده به دانشکده حقوق است که این دلیل بر تغییر رژیم است اگر اینطور باشد من الان ۱۴ سال است مشغول تغییر رژیم هستم برای اینکه همیشه می‌روم دانشکده حقوق درس میدهم و اگر اسم این تغییر رژیم باشد (دکتر بقائی - اسم این استبدال چیست؟) همانی است که شما فرمودید سفسطه است همان دلیل خود جناب عالی (فرامرزی - حالا فرمودید که این سفسطه بود؟) یکی از دلایل جناب عالی این بود که من در آن مجلسی که پای تخت آقای نخست وزیر بوده است نجوی کردم نجوی را هم عرض کردم که بنده بفراسه گفتم چون نمی‌خواستم همه آقایان موضوع را بگویم (دکتر بقائی - صحبت فرانسه صرف ادعا است) عین حقیقت است بسرجه آقایان اشاره به آقای میلانی) عین حقیقت است (دکتر بقائی - ممکن است مطالب دیگری فرموده باشید که میخواستید جناب آقای میلانی و آقای جلالی ندانند) آقای دکتر بقائی زندگی سیاسی آدم میکند کما اینکه یکسال از عمر مجلس گذشته است بکمال دیگر هم انشاء الله امیدواریم که بزودی بگذرد ولی فقط یک چیز اینجا باقی می‌ماند و آن این است که به عقیده بنده ما امانت دار ملت ایران هستیم و در مقابل ملت ایران هفتش باید طوری حرف بزنیم که یکوقت سوء تفاهات ایجاد نکند بنده مخالف بعضی اشخاص هستم که می‌آیند پشت تریبون بیک کسی بدون معاکه دزد می‌گویند جاسوس می‌گویند (پور سر تیب - برادریوم بفرمائید) بنده بطور کلی با اعمالی که برخلاف اصول است مخالفم (میر اشرفی - آنهایی که در روزنامه شورش می‌نویسند چطور با آنها مخالفید پس آن راهم بفرمائید به حضرت آیت الله کاشانی فحش می‌دهد؟) با آنها مخالفم همیشه گفته‌ام بهر کسی بهر مقامی که برخلاف اصول توهین بشود مقامات قضائی باید جداً تعقیب کنند با فحش دادن غیر از این که نفاق در مملکت پیش بیاید فایده دیگری حاصل نمی‌شود پس بنا بر این در این جریان مسافرت میخواستم تنها که اگر اشکبالاتی در این قسمت داشته‌اید کاملاً مرتفع بفرمائید اما راجع باین قسمت گزارش هیئت ۸ نفری خوشبختانه جناب آقای دکتر بقائی در آخر نطقشان در موقعیکه این گزارش ۸ نفری را مطرح می‌فرمودند می‌خواستند گزارش هیئت هشت نفری راهم بآن قسمت دیگر متصل کنند ولی خوشبختانه در آخر نطقشان که اینجا هست فرمودند که این قسمت چیزی نیست و مثل کله لاله الااله است که هیچ مطلب تازه‌ای نیست محتاج برای نیست و حتی خود جناب عالی مجدداً در اینجا امضاء فرمودید این دلیل بر این است که این تغییر رژیم از باطن

بقائمی - پس اصرارش برای چیست ؟
 صادقی - مسکوت بگذارید)
 گزارش برای این است که روز اول
 است کردیم که بیاید در مجلس قرائت
 گذاشتند (عبدالرحمن فرامرزی -
 وقت نگذاشتند حالا چه نامی دارد
 کار را بکنیم ؟) چند نفر اگر هر وقت می-
 د با هم آشتی کنند نمی دانم چه طور
 بکنند ای پیدای شوند و آن مطلب
 میکنند و نیکنانند یکی از بدبختی
 در مملکت ایران همین نفاق است
 همه ای پیدا میشوند و نفاق می اندازند یک
 کوچکی را بزرگ میکنند و وقتیکه میرود
 بکند بیک سامانی برسد نیکنانند
 بقائمی - پس خودتان پیشنهاد مسکوت
 (اما راجع بگزارش میخواستم
 گزارش را بر عرض برسانم که اینجا
 تفاهاتی ایجاد نکنند در مجلس شورای
 روز مطرح شد که در امور داخلی
 یک اختلافاتی هست و یک اختلافاتی
 در بار آقای دکتر مصدق و باین
 مملکت مصلحت نیست که این
 وجود داشته باشد جناب آقای
 مان در خارج صحبت کردند فرمودند
 ما هم مساعدت بکنیم که ما این
 را در این موقع بحرانی مملکت از
 م گفتند بنده حاضر و حتی با چند نفر دیگر
 ان هم صحبت فرمودند و خود ایشان
 جلسه خصوصی کردند در جلسه
 آقای مکی مطالب مفصلی اظهار
 و موقعیت بحرانی مملکت را گوشزد
 فرمودند هر دو نفری یک نفر را
 نند تا اینکه آن هفت باین دو
 یکی یا اختلافات داخلی و دیگری
 در بار رسیدگی کنند این هفت نفر
 اند جناب آقای دکتر بقائمی و جناب آقای
 زاده از طرف فراکسیون نهضت ملی
 آقای دکتر سنجابی جناب آقای مجد
 خود بنده و از طرف منفردین هم
 آقای مکی و جناب آقای رفیع و
 آقای گنجی ای همین شدند بعد عصر
 روز ما در مجلس شورای ملی جلسه
 ابتدا گفتیم که کار داخلی مجلس را
 اختلافاتش را مرتفع کرد
 داخلی مجلس دو موضوع بود یکی
 کار مجلس بود و یکی هم اختلافی
 مقام ریاست مرقوم فرموده بودند
 اب آقای محمد ذوالفقاری جلسات
 بکنند و جناب آقای مهندس رضوی
 نکنند و بعد با مطالعه قانونی (میر
 اینکه عمل قانونی بود خود جناب عالی
 نایب آقای سردار فاخر بودید
 ماه مجلس را اداره کردید) بعد در
 مذاکره کردیم در باب کار مجلس
 کردند که بدوات بگویند پنج نفر را
 بدهند و مقام ریاست بکنند و انتخاب
 راجع اداره جلسات مجلس هم

گفتیم چون یک نایب رئیس ممکن است
 مریض شود اینکار سابقه نشود و دیگری
 نتواند بهترین است که مقام ریاست موافقت
 بفرمایند با توافق یکدیگر باشد آقایان
 خودشان بروند توافق بکنند در این قسمت
 ما توافق کردیم و رفتیم شرفیاب شدیم حضور
 حضرت آیت الله کاشانی منزل آقای مصطفوی
 تشریف داشتند آنجا نسبت به ما اظهار
 مهربانی فرمودند این دو پیشنهاد را هم که
 ایشان کردیم بدون اینکه بعضی بفرمایند
 با کمال میل قبول فرمودند و در همان حال
 هم ابلاغ کردند با آقایان نواب رئیس که
 خودشان توافق بکنند نسبت بکار در مجلس
 هم توافق کردند و بعد ما تشکر کردیم از
 حضور آیت الله و بعد آمدیم اینجا جناب
 آقای گنجی دعوت فرمودند اعضای هیئت
 هشت نفری را ناهار را خدمت آقای گنجی ای
 بودیم حضرت آقای آیت الله کاشانی هم
 لطف فرمودند تشریف آوردند وای در
 حضور ایشان راجع به عمل دیگر هفت هشت
 نفری بحث نشد کلیات بحث شد بعد رفتیم
 خدمت جناب آقای حائری زاده آنجا
 صحبت شد به اینکه بچه ترتیب این اختلافات
 حل شود جناب آقای حائری زاده فرمودند
 که بهترین راه رفع اختلاف این است که
 خود آقای دکتر مصدق بروند برای اینکه
 این اختلافات مرتفع بشود خود آقای
 دکتر مصدق نباشد بهتر است
 ما گفتیم که واقعا میخواهیم راه
 حلی پیدا بکنیم چون این مذاکرات به
 نتیجه نمیرسد جناب آقای دکتر بقائمی فرمودند
 یک فرمول کتبی باید پیدا بشود در اطراف
 فرمول بحث کردیم سه فرمول پیش آمد یکی
 اینکه خود در بار بادوات توافق بکنند راجع
 بمفهوم قانون اساسی بعد جناب آقای حائری-
 زاده و یک نفر دیگر از آقایان فرمودند که
 این قسمت ممکن است سابقه بدی بشود
 بهتر است این ترتیب نباشد یک نفر دیگر
 از آقایان پیشنهاد کردند که خود دولت
 نظریاتش را بصورت طرح بیاورد در مجلس
 و در اینجا مطرح شود باز هم آقایان گفتند
 که این روی تعصب اقلیت و اکثریت می رود
 بهتر این است که یک گزارش خود
 نمایندگان مجلس تهیه کنند راجع باین
 قسمت ما توافق کردیم و گفتیم که هر کدام
 از آقایان نظریاتی دارند نظرشان را
 بفرمایند و آقای مجد زاده یادداشت بفرمایند
 جناب آقای حائری زاده مطالب و مواد قانون
 اساسی که مورد ابتلا بود دیکته فرمودند
 و بعضی آقایان نظریه شان را دادند و قرار
 شد جلسه آینده در منزل جناب آقای مکی
 تشکیل شود و این یک موضوع را بنده
 فراموش کردم عرض کنم که قبل از این
 جلسات یک ملاقاتی با نخست وزیر کردیم
 ایشان اشکالات کارشان را فرمودند که در
 دوره بیست ساله عادت بر این جاری شده
 است که قوای انتظامی مملکت خودشان را

مسئول دولت نمیدانند و بعد از وقایع شهر پور
 ۲۰ هم غالب دولتها در نتیجه عدم اطاعت
 قوای انتظامی فلج شده اند بنا بر این اگر
 میخواهید من کار بکنم این وضع را روشن
 بکنم که قوای انتظامی تبعیت از دولت باید
 بکنند بهر حال برای من روشن شود اگر
 مسئولیت از من میخواهید اینکار را بکنید
 این مطالبشان را ایشان فرمودند و بعد
 شرفیاب شدیم حضور اعلی حضرت همایونی
 ما مطالب آقای نخست وزیر را که گفتیم ایشان
 فرمودند که من همیشه نسبت بکارهای آقای
 دکتر مصدق پشتیبانی کرده ام قوای انتظامی
 هم از ایشان تبعیت کرده حتی رئیس ستاد
 ارتش را که پرروز خود ایشان بایک ابلاغی
 برایشان حکم صادر کردند بنده قبول کردم
 بنابراین اختلافی موجود نیست آقای نخست
 وزیر هم بعد از آن مذاکراتیکه فرمودند
 گفتند ما اختیار میدهم با آقایان هشت نفری
 بعد اعلی حضرت فرمودند با وجود این ما اختیار
 میدهم بهمان هشت نفر (دکتر بقائمی - موضوع
 تقسیم املاک را هم که اعلی حضرت فرمودند
 بفرمائید) خواهم گفت بله این را هم در ضمن
 فرمودند (دکتر بقائمی - مقصود نقل قول
 اعلی حضرت است) من مطالب را بطور خلاصه
 عرض کردم (دکتر بقائمی - نگفتید آقای
 که اعلی حضرت همایونی فرمودند که آقای
 نخست وزیر با تقسیم املاک مخالف هستند)
 بله اعلی حضرت همایونی فرمودند آقای نخست
 وزیر مخالفند و من علاقه دارم املاک تقسیم
 بشود خلاصه بمنزل جناب آقای مکی که رفتیم در
 آنجا صحبت طرح تمام شد یادداشتها بیک
 جناب آقای مجد زاده تهیه فرمودند قرائت
 شد بایک مختصر اصلاحی این قسمت قبول
 شد در آنجا جناب آقای حائری زاده فرمودند
 که راجع باختیارات هم بایستی فکری
 کرد جناب آقای دکتر بقائمی هم فرمودند
 آقای دکتر مصدق باید اختیاراتشان را
 بمجلس پس بدهند در همانجا (دکتر بقائمی -
 طبق آن پیشنهاد) جناب عالی فرمودید به
 طور خلاصه عرض میکنم بعد از آنجا که خواستیم
 برویم فراموش کردم عرض کنم دفعه اولی
 که منزل آقای دکتر مصدق رفتیم فقط آقای
 حائری زاده تشریف آوردند آقای دکتر
 بقائمی تشریف نیاوردند ولی در دربار که
 رفتیم هر دو آقایان تشریف آوردند ولی در
 دفعه دوم جناب آقای دکتر بقائمی چهله یکی
 از رفقایشان بود (دکتر بقائمی - چهله یکی
 از شهدا بود که توده ایها کشتند) حکم نمی
 توانم بدهم که کسی کشته است ولی این را
 میتوانم بگویم که چهله یکی از رفقایان بود
 و جناب عالی تشریف بردند آنجا و بعد
 هم جناب آقای حائری زاده گفتند که من نمی
 توانم بیایم دفعه دوم جناب آقای دکتر بقائمی
 نه بدر بار آمدند و نه خدمت آقای نخست
 وزیر (دکتر بقائمی - بنده نه اینجارفتم نه آنجا)
 دفعه دوم به دربار تشریف آوردند و آنجا

از آنجا رفتیم خدمت آقای نخست وزیر
 گزارش را که خواندیم فرمودند که اطاعت
 میکنم این موضوع را قبول میکنم بعد
 جناب آقای رفیع فرمودند که آقای حائری-
 زاده و آقای دکتر بقائمی راجع بقسمت
 اختیارات مایل بودند باینکه جناب عالی یک
 قسمت از این اختیارات را بمجلس برگردانید
 و بهتر است باینکه آقایانی که در ردیف اقلیت
 قرار گرفته اند شما بموقعیت مملکت مویجات
 رضایت آنها را هم فراهم بیاورید (رفیع -
 صحیح است) مصلحت مملکت است جناب
 آقای دکتر مصدق فرمودند که والله این
 اختیاراتیکه بمن داده شده برای مصلحت وقت بوده
 و الا من نخواستم سلب حقی از مجلس
 بکنم و حتی مثال زدند که قسمت امور
 مالی و بودجه که آنهم جزء اختیارات من
 بوده است بکند و از هم بمجلس فرستاده ام
 و باز هم در قسمت هایی که ضرورت ایجاب
 بکند بیایید با هم بنشینیم صحبت بکنیم و
 حل بکنیم حتی کتابچه قانون اختیارات را
 هم آوردند و فرمودند آقایان بیایند صحبت
 کنیم تا ببینیم چه میشود ما این مطالب را
 خدمت آقایان عرض کردیم که جلسه دیگر
 برویم خدمت آقای نخست وزیر صحبت کنیم و
 آقایان اجتناب فرمودند (دکتر بقائمی -
 ماده ۹۰) و این نکته را هم باید عرض
 کنم که این قسمت نه در مأموریت ما بود و
 نه در جلسه خصوصی این مأموریت بماده
 شد بعد از اینکه گزارش تهیه شد و آقای
 دکتر مصدق قبول کردند در کاخ اختصاصی
 حضور اعلی حضرت همایونی شرفیاب شدیم
 اعلی حضرت همایونی تشریف آوردند آنجا
 گزارش را خواندند و بعد که قرائت
 فرمودند یک نکته ای بود که فرمودند اضافه
 شود که ما قبول کردیم و یک عبارتی هم
 فرمودند که اگر باین صورت باشد بهتر
 است که آن نسخه خدمت جناب آقای
 مکی است بعد از اینکه تشریف بردند
 شقوق مختلف را توسط آقای رفیع فرستادیم
 و بعد برگردانند و فرمودند که همان فرمولی
 که خود آقایان تهیه کرده اید خوب است و
 من هم کاملا موافق هستم بعد در کاخ
 اختصاصی جناب آقای مکی پشت همان
 سند نوشتند که در چه ساعتی در کاخ
 اختصاصی امضاء شد و در ۶ نفر امضاء
 کردیم بعد که امضاء شد آوردند جناب
 آقای حائری زاده و جناب آقای دکتر
 بقائمی هم امضاء کردند تا اینکه بنام این
 موضوع مجرمانه بیاند تا اینکه در جلسه
 خصوصی مطرح شود همان روز صبح
 که در جلسه خصوصی مطرح شد با اجازه
 آقایان ما بفراسکسیون اطلاع دادیم و
 فراکسیون نهضت ملی هم قبول کرد و
 در جلسه هشت نفری هم جناب آقای مکی
 بعنوان مخبر انتخاب شدند که به عرض
 مجلس شورای ملی برسانند و من از ایشان
 تئنی دارم چون یک سند تاریخی است و
 مخصوصا مقدمه اش را جناب آقای دکتر

بقای فرمودند قرائت شود جنابعالی آن سند را در مجلس قرائت بفرمائید و آنروزی که ما این طرح را امضاء کردیم بنده میخواهم عرض کنم هیچکدام از آقایان جز حسن نیت منظور دیگری نداشتند و بدم که امضاء کردیم مایل بودیم که قرائت بشود ولی متأسفانه این کار باین سادگی باین صورت در آمد. قبل از عهد هم من یک مطلبی عرض کردم که این طرحی که تهیه شده هم بصلاح مجلس است هم بصلاح شاه است و هم بصلاح خود ماست که قبل از عهد میخواهیم برویم بمسافرت حالا هم عرض میکنم روابط دولت و دربار و مجلس اینکار را ولو اینکه سابقه نداشته باشد لازم دارد شما اگر میخواهید حکومت این مملکت یکسر و صورتی داشته باشد بدون تأمل موافقت بفرمائید. (میراشرفی - اگر غلام یحیی بکروزی آمد چه می گوئید؟) اجازه بفرمائید، بنابراین طبق قانون اساسی قبول می فرمائید مقام سلطنت بایستی محترم باشد بایستی که مصون از تعرض باشد بعضی از آقایان گفتند که این قسمت تضعیف است بمقتضای بنده بهیچوجه تضعیف نیست، بلکه تثبیت مقام سلطنت است سلطنت مملکت باین ترتیب تضعیف نمیشود بلکه تقویت میشود و حتی چند کلمه هم از قانون اساسی که ما در اینجا گفتیم چون اختلافاتی بوده و صلاح هم اختلاف زیاد بوده است که حالا وقت نیست بنده اینجا عرض کنم بهتر این است که روشن بشود بنا بر این میخواستم این نکته را عرض کنم جناب آقای دکتر بقائی، فرا کسیون نهضت ملی جز سعادت مملکت و جز خدمت بمملکت بهیچوجه فصدی ندارند (میراشرفی - همه این فصد را دارند) (بهادری - مونیل نیست) اثبات بشی نفی ماعدی نمیکند چون نیت به فرا کسیون زدند فرا کسیون را عرض کردم والا یقین دارم که مجلس شورای ملی ایران هیچوقت و در هیچ دوره ای کاری نخواهد کرد که بضرر ملت ایران باشد. (میراشرفی - جز این یک کاری که این دوره کرده و اختیارات را دادید کتر مصدق) آقایانی که اینجا نشسته اند همه ایرانی هستند و مسلم بدانید که فرا کسیون که امثال آقایان میلانی، انگلی مدرس، حسینی، دکتر سنجانی، مهندس رضوی، (میراشرفی - پیشه وری و غلام یحیی) اینها هیچکدام کاری که بر خلاف مصلحت مملکت باشد نخواهند کرد و اینجا با صدای بلند عرض میکنم که عقیده عموم اعضاء فرا کسیون نهضت ملی است که بهیچوجه باموقبیت فعلی مملکت فصد تضعیف مقام سلطنت را نداریم و قصد تغییر رژیم نداریم (میراشرفی - موقبیت فعلی مملکت یعنی چه) بظاهر کلمات استناد فرمائید. (میراشرفی - چون فرمودند فعلی) بنا بر این میخواستم عرض کنم که این سه نفر را در این مجلس

نفرمائید (میراشرفی - آقای وزیر کشور بفرمائید که ایشان غیبگو نیستند راجع به فعلی) عرض کردم راجع بخودمان ما کسی نفی که در آنجا هستیم اینکار را نخواهیم کرد برای همیشه بنابراین تمنی میکنم که آقایان نمایندگان بهمدیگر تهمت و افترا نزنند باروح صمیمیت در حدود مقررات قانون اساسی همکاری بکنند اکثریت حرفشرا بزند اقلیت حرفش را بزند و رأی حکومت بکند آقایان مجلس شورای ملی امانتی است که بدست شما سپرده شده (میراشرفی - متأسفانه که نگاهش نداشتند جناب آقای دکتر معظمی) (احمد فرامرزی - تمام اینکارها را انو کران اجانب و جاسوسان میکنند) (میراشرفی - آقای دکتر یک ساعت دیگر استعفا میکنم صحبت بکنید که این مطلب خوب روشن بشود مخصوصاً راجع باین نه لایحه توضیحی بدهید) اگر بنده کلمه فعلاً رایس بگیرم رفع نگرانیها میشود؟ این فعلاً را خواهم میکنم هم از روزنامهها و هم از صورت مجلس حذف کنند (فعلاً) را بنده پس گرفتم تارفع نگرانی آقای میراشرفی بشود (دکتر بقائی - یعنی فعلاً حذف کنند تا به مطالبه مطالعه بشود) برای همیشه حذف بکنند پس بنابراین میخواستم تمنی بکنم که همه باینک روح صمیمیت و احترام متقابل کار مملکت را انجام بدهیم و عوض نطق قبل از دستور بر گردیم بآن کار اساسی که قانون گذاری باشد

نایب رئیس - با اجازه آقایان ده دقیقه تنفس داده میشود.

(۵ دقیقه بعد از ظهر مجلس بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً ۲۵ دقیقه بعد از ظهر تشکیل گردید)

۴- تقدیم لایحه تمدید فرمانداری نظامی در شیراز بوسیله آقای معاون وزارت دفاع ملی

نایب رئیس - آقای معاون وزارت دفاع ملی (مها) - لایحه است راجع بیکماه تمدید مقررات فرمانداری نظامی در شهرستان شیراز برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میشود.

مهندس رضوی - یکدفعه لایحه حکومت نظامی را برای تمام مملکت بیاورید

شمس قات آبادی - یکبار برای تمام مملکت بیاورید همه را راحت کنید.

هم اعلام حاضر بودن آقایان وزیر کشور و معاون نخست

وزیر برای جواب سئوالات نایب رئیس - آقای وزیر کشور و

همچنین آقای دکتر ملک اسمعیلی برای پاسخ سئوالات آقایان حاضر هستند ولی بهتر است مثل سابق بیکروز معین راتعین کنیم که جلسات مخصوصی برای سئوالات باشد (مکی - جلسه آتی) (چند نفر از نمایندگان کان - شبیه هایت خواهد بود)

۶- بیانات آقایان خلخالی و مکی بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه

نایب رئیس - آقای خلخالی بعنوان ماده ۹۰ اجازه خواسته اند. بفرمائید

خلخالی - گمان میکنم تصادفی پیش آمد کرد تاثر جناب آقای دکتر بقائی شاید باعث شد، فرمایشی فرمودند که من ناچار شدم از ماده ۹۰ استفاده کنم چون بطور کلی راجع بفرا کسیون نهضت ملی فرمودند که بنده هم فعلاً بستگی دارم بآن فرا کسیون اگر در فرمایشاتشان ادعاهائی که شد راجع بتغییر رژیم بفرمودند اشخاصی اطلاع داشتند توطئه ای که بفرمائید در جریان و ده است یامی فرمودند همان ۷ نفر با اطلاع بوده اند باز مطلبی بود که خود جناب آقای دکتر معظمی از اول تا آخر جریان را تذکر فرمودند و بنده آنموقه بیکه اسمم را بعنوان ماده ۹۰ نوشتم متوجه نبودم که جناب آقای دکتر معظمی هم در این صدد هستند و بیاناتی خواهند فرمود که احتیاجی باظهارات من نباشد برای اینکه تصریح فرمودند که ۷ نفری که برای حل اختلاف بین دربار و دولت در جریان مذاکره بودند، در فرا کسیون مطلبی اظهار فرمودند خواه از مسافرت اعلیحضرت همایونی و خواه از علت مسافرت ولی یک مطلب دیگری هم هست که بطوریکه بنده استنباط میکردم نظر آقای دکتر بقائی این بود که نظیر آقای دکتر معظمی یا اشخاصی نظیر ایشان بجوابگوئی ایشان و مبارزه ای که شاید مایل بودند ایجاد بشود حاضر بشوند و نظرشان بامثال بنده شاید نبوده و من هم از اینجهت خوشوقت هستم ولی باید این نکته را قبلاً عرض کنم که ما هم مانند اقرار مات و بی فروغی نیستیم بلکه افتخار این را داریم که آن موحدی بودیم و هستیم که هیچگاه بت پرست نبوده ایم (صحیح است) و کالتان باز اینجا خود ستانی

مسئلاً از جانب ملت و زوی همان دعوت و علی رغم دخالت های نیروی انتظامی و مقاماتیکه اسم نمی برم انجام گرفته (میراشرفی اسم ببرید آقای خلخالی) و من اگر چنانچه کینه توزی داشتم و اگر میخواستم در مجلس شورای ملی مصالح مملکت را تحت الشعاع این احساسات شخصی خود قرار بدهم بنده حق داشتم نسبت بآن سوء قصد هائی که حتی بجان من میکردند و در راه عدم موفقیت ملت در انتخابات خود انجام میدادند همان شبی که آقای دکتر مصدق آمدند و بیاناتی کردند بحث هائی بکنم مطلبی که جناب آقای دکتر بقائی فرمودند راجع بتغییر رژیم و اعلان جمهوریت و از این قبیل مقله بود و واقعاً من تعجب کردم همانطور که روز نهم اسفند در مجلس از آقایان در سرسرای یائین مسافرت اعلیحضرت را شنیدم و من متعجب شدم برای اینکه هیچگونه بنده سابقه ای نداشتم و آقایان هم کاملاً میدانند که چرا آن هشتم که انتخاب شد

بنده انتخاب نشده بودم و خود آقای تصدیق بفرمائید که در آنجا هیچ نشده این نه برای این است که فرزند این قبیل صحبت ها جرمی است، آزاد است، بشر میتواند همه جور که مقام سلطنت هم که گفته میشود و تصور بفتح ملت است نه این است که اینها برای نظریات خصوصی و شخصی با من متأسفم که اینجا فریاد هائی که میشود بیشتر جنبه های شخصی و فریب هیچگاه محرومیت طبقات کثیر العدد ایران مطمح نظر نیست و اگر هم بحث قرار بگیرد بصورت مقدمه (میراشرفی - آن قسمت سهم شماست آقای خلخالی) ملت اینقدر قدرت و حتی احتیاج بگفتن من ندارد تا بر روی هم انباشته شده و یقین بدانید سعادت و پیروزی ملت مانند آفتاب این لبرهای تیره بیرون خواهد آمد کار خفاشان کار کسانی که بامت میکنند و پنجه بروی پنجه آنها می معلوم خواهد شد (صحیح است) که هیأت ۸ نفری که باعث این حرفها موجب این شده که بنده بعنوان مادر استفاده کنم ریشه های زیادی دارم برای اینکه وقت آقایان را تلف شاید روزی در این باب اظهار عقیده فعلاً اشاره ای نمیکم (پور سر تیب امروز بفرمائید) وقت تلف نمیکم خیلی بتفصیل نپردازیم باید آن آقای نخست وزیر یعنی شب ۱۰ مجلس آمدند بآن ترتیبی که میدانند بعد از حاذقه روز ۹ اسفند که آقای دکتر مصدق فرمودند با نمود که اختلافات بین خود و در تصریح فرمودند و آن همان اختلافی واقعه ۳۰ تیر را هم بوجود آورد و بنده از آقایان نسبت بخود استفاده کرد مطلب را عرض میکنم که قضاوت من فردی و بدون تحت نفوذ قرار گرفتن است یعنی در آن روز سی تیر آن که از دربار آورده بودند و خواندند من جنک و اینکه اعلیحضرت همایونی نسبت انتظامی وزارت جنک علاقه دارند و دکتر مصدق میخواستند شخصاً این را متصدی باشند اختلاف نظر پیدا بود حتی یاد میآید که نمایندگان آن که جمع شده بودیم آقای میراشرفی نامه را گرفته مجدداً آنجا خواندند اشرفی - آقای رئیس ماده ۹۰ نمیکنم میخواهم عرض کنم این موضوع که بتوان برده زوی آن افکند نگاهداشت مسئله ایست که حتی مشروطیت بلکه قبل از پیدایش وجود دازد باید دید مشروطه چرا آمد و اختیار بدست نمایندگان شد و این اختلافات ادامه داشت

اینکه رفع اختلافات بشود بنده فعلاً بتفصیل عرض نمیکنم برای اینکه ممکن است برای یکمده ای سوء تفاهم ایجاد بشود تفصیل آن را میگذارم بمانند برای بعد (میراشرافی - جناب آقای خلخالی بفرمائید ما استفاده میکنیم) هشت نفر انتخاب شدند و طبق صریح صورت جلسه اینکه الساعه بنده نگاه میکردم جناب آقای دکتر بقائی خودشان تصریح میفرمایند که برای اینکه تصریحی در وظایف طرفین بشود ما گفتیم از این فرصت استفاده کنیم برای تحکیم قانون اساسی مذاکراتی شده پس معلوم میشود مسئله مبتلا به همان موضوع قوای انتظامی بوده است و مربوط بقانون اساسی بوده است و رضای طرفین و رفع اختلاف طرفین مربوط باین قسمت بوده است و مسئله اختیارات هم در آن جلسه مطرح نبوده از فرمایش بدیشان هم استفاده میشود بعد اضافه میفرمایند حالا که آمده ایم و میخواهیم زاجع بتحکیم و تشبیه قانون اساسی یعنی اگر این گزارش تهیه نمی شود همانطور که در خود گزارش تصریح شده است در مجلس خوانده بشود و تأیید بشود عملی نباشد مثل اینکه قانون اساسی تشبیه و تحکیم نمیشد یعنی از آن سوء استفاده میگردند همانطور که تا کنون انجام گرفته (میراشرافی - مثل قضیه اختیارات که خیلی سوء استفاده کرده اند) اینکه میگویند اگر برای تشبیه و تحکیم قانون اساسی بخواهیم عملی انجام بدهیم مستلزم این است که در قانون اختیارات هم تجدید نظری بشود این فرمایش ایشان بصورت پیشنهادی بنظر میرسد بنده که در آن هیأت نبودم ولی از فرمایش آقایان اینطور معلوم شد که ایشان میفرمایند خوب است حالا که ما این کار را انجام میدهم انکار را بکنیم این مسئله علیحده باید مورد بحث قرار بگیرد و از این استنباط نمیشود که در بعضی رفع اختلاف در باره دولت با استفاده از فرصتی که بدست آمده بود برای تحکیم مابانی مشروطیت مسئله اختیارات هم مستقلاً مورد بحث بشود (دکتر بقائی - ماده ۹۰) بدهم دلیل صریح دیگر خود آن گزارش هیأت ۸ نفری است که در آن از اختیارات بعضی بیان نیامده است و حتی خود آقایان هم امضاء فرموده اند و خیلی من متأسفم اینکه جناب آقای دکتر بقائی و دشان میدانند من در اول ورودم بمجلس بایشان ارادت داشتم (دکتر بقائی - ما الان هم بشما ارادت داریم) این حقیقتی است که اینجامیگویم که فرمایشات آقای دکتر بقائی در این مورد جنبه بهانه جوئی است چرا؟ برای اینکه (دکتر بقائی - يك جواب بنده را حاضر تعالی بفرمائید) اجازه بفرمائید بنظر میسر آمد آنروزی که گفته شد در جلسه خصوصی و قرار شد این گزارش بپایه بمجلس و در مجلس خوانده بشود و تأیید بشود و موضوع خاتمه پیدا کند خودشان تصدیق فرمودند و ما هم میدانیم که ایشان قانع شدند و اکنون مثل اینکه حاضرند آن گزارش خوانده بشود

و طرح مطرح نکردد (دکتر بقائی - تکذیب میکنم حاضر نیستم هیچوقت حاضر بستم يك سؤال را جواب بدهید آن ۶ نفر که در جلسه حاضر بودند چرا یک نفرشان نگفتند که مانگرانی نداریم از مسافرت شاه) بنده از آن ۶ نفر نیستم (دکتر بقائی - شش نفر نمایندگان شما بودند چرا یکیشان نگفتند ما نگرانی نداریم چون شاه برای معالجه میرود) عرض کنم راجع بمسئله علت مسافرت که جناب آقای دکتر فرمودند حالا امیدوارم مطلبی که عرض کردم یادم نرود جناب آقای دکتر باز در همین صورت جلسه فرمودند که علت مسافرت خیلی اهمیت میدادند میفرمایند حزب زحمتکش که در جریان وقایع ۹ اسفند از آزادی داشت جلو گیری میکرد من تعجب میکنم جناب آقای دکتر بقائی خودشان در همان جلسه میفرمایند وقتی در مجلس مطرح شد آقای فرامرزی پیشنهاد فرمودند که همه دستجمعی برویم و مانع از رفتن شاه بشویم فرمودند که این صلاح نیست شاید يك عمل سبکی باشد برای این که از علت مسافرت اعلیحضرت ما اطلاع نداریم چه بگوئیم بعد که هیئت رئیسه رفت و برگشت علت مسافرت را هم بیان کرد آقایان حضور افراد حزب زحمتکش و آن جریان بعد از این اطلاع بود است؟ بدهم میفرمایند که عده ای با یادداشت میدادند و تلفن می کردند از علت مسافرت جویا میشدند و ما چون اطلاعی نداشتیم بآنها چیزی نداشتیم بگوئیم در هر حال میخواهند اینطور نتیجه بگیرند که این حوادث بعلمت عدم اطلاع از علت مسافرت بوده است که بالاخره منجر بآمدن آقای دکتر بقائی بمجلس و اینها شد و آن پیش آمد کرد و من میخواهم عرض کنم که این مسبوق با اطلاع ما بشود برای اینکه هیأت رئیسه برگشت و علت مسافرت را گفت؟ (دکتر بقائی - يك ۹۰ دیگر) (خنده نمایندگان) (فرامرزی - ماد ۱۸۰ میشود) **نایب رئیس** - آقای خلخالی وقت شما تمام شد **میراشرافی** - رای بنده هم هر قدر میخواهند صحبت کنند **خلخالی** - چون طرح اینجا مطرح است و نظر فرا کسیون این است زودتر مطرح بشود و رای گرفته بشود خود بنده هم از کسانی بودم که جناب آقای مهندس رضوی پیشنهاد کردم ترتیبی باید داد که موضوع آقای روحی تحت الشعاع این جریان قرار بگیرد و اتفاقاً هم اینطور شد چون من خودم این عقیده را دارم نمیخواهم با بیانات خود فرض اینکه خوب هم باشد وسیله تأخیر تعیین تکلیف طرح را فراهم کنم (میراشرافی - مثل اختیارات که تا ساعت دوازده مارا نگاه داشتند و رای گرفتند) (قات آبادی - موضوع روحی از اول فرع بود) ولی اگر فرصت دیگری بدست آمد عرض میکنم **میراشرافی** - اگر چیزی ندارید که

بگوئید ندارم و اگر دارید که الان بفرمائید **خلخالی** - اگر شما چیزی نمی شمارید من چیزی ندارم ولی ملت که با ما هست در درج الم دارد که بوقت دیگری مو کول میکنم (احسن است) (در این موقع عده ای از تماشاچها اظهار کردند و آقای نایب رئیس دستور اخراج آنها را دادند) **نایب رئیس** - آقای مکی بفرمائید **مکی** - بنده خیلی امساک نمیکنم از اینکه وقت همکاران عزیزم را با گرفتن نطق بعنوان ماده ۹۰ تضییع کرده باشم ولی بعضی فوایع حوادث ایجاد میکند که انسان ملت ایران و تاریخ آتیه مملکت را روشن کند بقول سعدی دو چیز طیره عقل است دم فرو بستن بوقت گفتن ، گفتن بوقت خاموشی (صحیح است) مذاکراتی را که همکار گرامی جناب آقای دکتر معظمی فرمودند صحیح بود ولی خیلی از جزئیات از نظر محوشده بود (قات آبادی - صحیح است) و خیلی متأسفم که عرض کنم لجاجت و خودخواهی و غرور دوسه ماه وقت مجلس و مملکت را گرفت (صحیح است) و هنوز هم مادر خم کوچک اولیم روز اول من استدعا کردم خواهش کردم گفتم آقایان ملت مبارز ایران دو سال شدیدترین بارها را تحمل کرده بدوش کشیده بزرگترین صدمات را خورده و حالانباید کاری کرد که این ملت مأیوس بشود و دیگر دنبال نهضت ملی را نگیرد آقایان بنده این کلمه تاریخی را پشت این تربیون عرض می کنم طوری دارند از ما انتقام میگیرند که برای کلیه ملل خاور میانه ملت ایران يك درس عبرتی بشود که دیگر جرأت نکنند از نهضت ملی و مبارزه استقلال طلبانه بزنند (عده ای از نمایندگان - صحیح است) (مهندس حسینی - معلمش باشید اینطور نخواهد شد مردم بیدارند) من در آخر دوره ۲۵ پشت این تربیون در آن آخرین ساعتی که همه میدانند چه ساعتی بمن میگذاشت (صحیح است) جان من چه جور درمخاطره بود از خدا خواستم آقایان یادتان نمانده است از خدا چه خواستم؟ گفتم خدا یاد این مکان مقدس در این شب عید فطر از تو میخواهم آن کسانی که میخواهند بوسیله تحمیل قرارداد الحاقی نسکین گس - گلشائیان فلاحه اسارت را بر گردن ملت ایران بیندازند از تو میخواهم که آنها را با آتش نفت بسوزانی این دعا را کردم و دیدیم چه جور با آتش نفت سوختند امروز هم عرض میکنم خدایا آن کسانی که تعمداً یا تعقلاً دارند بنهضت مقدس ملت ایران خیانت میکنند آنها را با آتش نفت بسوزان (نمایندگان الهی آمین) **دکتر بقائی** - دکترم فلاح را تعمداً

آوردند یا تعقلاً آنرا هم بفرمائید **مکی** - از آن کسانی که بانیش بودند باید بی رسید که هر کس خدا میداند اسم نهضت مقدس ملت ایران را در خوزستان آورده هر کس گفته است زنده باد نهضت ایران، گفته است زنده باد ملی شدن صنعت نفت امروز در اندازشان انتقام میگیرند آقایان من جز بیطرفی جز سعادت ملت ایران جز خیرخواهی مملکت ترا بشرافتتان چیزی در این مجلس گفته ام؟ و یاد در جلسات خصوصی خواسته ام؟ حال من از تمام همکاران عزیزم که در نقطه های قبل از دستور پشت این تربیون اظهار تأسف کردند که چرا يك روزنامه بلندگوی هیأت حاکمه بمن بد بگوئید و بطور نمونه مر امثال میآوردند من شکر مولی من هیچ تأسفی ندارم من در دوره پانزدهم پشت این تربیون حاضر بودم با کلوله از پشت این تربیون یا این بروم ولی از حق ملت ایران صرف نظر نکنم در دوران خلع پد هم کبدم را گذاشتم روی اینکار و حاضر بودم جانم را روی اینکار بگذارم و از خلع پد صرف نظر نکنم من میدانم آقایان استعمار و هیأت حاکمه استعمار طلب دارند انتقام میگیرند از آن کسانی که میخواهند اساس نهضت مقدس ملت ایران رونق بگیرد من میدانم انتقام است (میراشرافی - از حضرت آیت الله کاشانی هم دارند انتقام میگیرند) این فحشها انتقام است - بنده این انتقام را پس میدهم (دکتر بقائی - دکترم فلاح با مرگور گرم طولمدت درست میکنند) و برای مثال عرض میکنم که بنده را آن روزی که گرفته بودند در زندان ما در ققای اقلیت بودیم آن روزی که ما بودیم از آن طایفه درد کشان که مورد تسخر و استهزاء يك دسته است آنروز که هیچك از این تاك و تاك نشانها اثری نبود يك کسی از رجال این مملکت آقای حائری زاده شاهدند توی زندان بمن پیغام داد که من خیلی خوشوقتم که شمارا گرفته زندانی کرده اند - شما هم خوشوقت باشید که بهمین تمام شود و رضای شوید زیرا نمیخواهند شمارا نابود کنند دارند طرحی میریزند که شما را اعدام کنند اگر بزنند تمام شود خیلی راضی باشید زیرا شما انتقامتان را خیلی خفیف پس داده اید (میراشرافی - حالا هم از دکترم بقائی شروع کرده اند) بنده می دانم که این انتقام را هر روزی از من پس خواهند گرفت انتقام رد قرارداد گس و گلشائیان (خائریزاده - اینطور نیست) این صحیح نیست این انگلیس آن انگلیس سابق نیست (مهندس حسینی - ایشان هنوز وحشت دارند) خفشو (زنك رئیس) من هیچوقت توی فرمایش هیچك از آقایان عرضی کرده ام؟ (مهندس حسینی - بدیگران هم بگوئید که نکنند) **دکتر بقائی** - راجع بدکترم فلاح حرف زدید متأثر شدند دکترم فلاح جاسوس است مدال دارد مدال وفاداری مدال که يك از انگلستان دارد مثل دکترم

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی
بشما تذکر میدهم
دکتر بقائی - چرا بآنها تذکر
نمی دهید.

هکی - خوشوقتیم که آقای فرامرزی و آقای ناصر ذوالفقاری که از اعضای کمیسیون نفت هستند و شاهد خیلی از جریانهای کمیسیون نفت بودند در اینجا هستند، آقای واسطه شرکت نفت و کی نینگ باشما آقایان بود (ناصر ذوالفقاری - دکتر فلاح) آقای فرامرزی کی بود ؟ (عبدالرحمن فرامرزی - آقای روحانی و آقای دکتر فلاح آمدند منزل من) حال این آقایان خدمتگذارند و بنده جاسوس انگلیس اگر بکروزی ملت ایران باز احتیاج به فداکاری داشت باز نشان میدهم که باز هم من سرباز فداکار ملت ایران خواهم بود (احسن) حالاهم هستم ولی حالا سحر و معجزه دارد پهلوی میزند، سحر با معجزه دارد پهلوی میزند من از خداوند متعال می خواهم در این روز مقدس در یک مکان مقدسی که مظهر آزاده و مرکز نقل قانونگذاری یک ملت مسلمانی است، می خواهم کسانی را که باین ملت خیانت میکنند اینها را در هر لباسی که هستند و در هر جایی که هستند آنها را بآتش نفت بسوزانند (آمین) (مهندس حسینی - انشاء الله) و کسانی را هم که خدمتگذار ملت هستند خداوند در هر لباسی که هستند آنها را

مؤید و موفق بدارد (مهندس حسینی - انشاء الله) (میراشرفی - آقای حاج سید جوادی عمادش را برداشته) (قاتل آبادی - برای اینستکه دعا بهتر مستجاب شود) بنده دوره بانزدهم که همه آقایان خبردارند این آقای فرامرزی که همیشه از مذاقتهای سرسخت آزادی مطبوعات است و چندین نطق راجع به آزادی مطبوعات پشت این تریبون کرده همچنین راجع به حکومت نظامی، چون آنوقت در اقلیت بودم مثل مسلول بودم بهر کس که سلام میکردم و صحبت میکردم (میراشرفی - مثل حالای ما) اما که شان میکردند که چرا صحبت کردید (میراشرفی - این جواز بگیرها همیشه از ما رو بر میگرددند) بنده از آقای فرامرزی میخواستم که شما جزو اقلیت نیستید بروید صحبت کنید من راجع باین حکومت نظامی چه جانی گندم تا این طرح را درست کردم و از تصویب مجلس گذراندم این طرح قانون حکومت نظامی را من درست کردم برای این بود که بروند با ۳۰۰ نفر نظامی توی جلسه قرائت قرآن یک واعظ معروف مثل شیخ محمد تهرانی را بگیرند و مردم را با مریزه بزنند (شبهتیری - آقا او آنارشیت است ما او را بهتر میشناسیم، او بآیه الله اصفهانی هم فحش میداد) آقای شبهتیری شما نگذارید که برده های شمارا هم بالا بزنم

فرمایشات را در کمیسیون بودجه فرمودید و بنده آنطور جواب دادم وقتی که نظر دولت معلوم شد آمدید آن بیانات را اینجا فرمودید (میراشرفی - کسی که جواز ۵۰۰ تن برنج گرفته همین آقای شبهتیری است حاضر الان بروم وزارت اقتصاد ملی صورت آنرا بیارم) (شبهتیری - آقای مکی من خواستم شمارا روشن کنم «خطاب به آقای میراشرفی» او آدم نیست که جوابش را بدهم) آقای میراشرفی خواهش میکنم از من دفاع نکنید، پشت این تریبون اینقدر جنجالها شده، صد مرتبه بالاتر از آقای شبهتیری جلوی ایشان ایستادم (شبهتیری - من از آزادت میگویم راجع بدیگران جواب نمیدهم) من هم ظهر عاشورا دیده ام هم شام کوفه را مرا عصبانی نکنید، من از جلوی هوو جنجال انگلیسها در نرفتم باه ۱ کشتی جنگی آنها بهر حال جناب آقای دکتر معظمی من خارج شدم از موضوع و خیلی معذرت میخواستم باید بیخشید راجع باین طرح و این گزارش هشت نفری از بنده خواستند که این را قرائت کنم و در صورت جلسه بماند، و حقیقه هم این موضوع تاریخی است و من با اساسش موافق بودم و عقیده دارم که وزراء در مقابل پارلمان مسئولند لاغیر (صحیح است) و یک کلمه اضافه می-کنم مملکت مشروطه تکلیف قوای ثلاثه مملکت را معین کرده، اصل تفکیک قوا در هر کشوری که برود قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه هست بعضی از آزادی خواهان یک قوای را قائل هستند که آنرا قدرت مطبوعات و قلم میدانند که حقیقه هم قلم به نهضت مقدس ملت ایران خیلی خدمت کرد، همین لایحه آزادی مطبوعات بود که کمک کرد و افکار را روشن ساخت تا توانست ملی شدن نفت را جامه عمل بپوشاند و همین دلیل هم باید آزادی مطبوعات باشد و من از هیچ روزنامه ای که ندارم و همانهایی که موید اعتراض همکاران بنده است و آمدند اینجا بعنوان نمونه و مثال بنده رایاد کرده اند که اهانت کرده به بنده، آقا اینها اهانت نکرده اند، اینها انتقام است ولی بالاخره مطبوعات باید آزاد باشند، باید بتوانند فحش بدهند و بالاخره قضاوت با ملت است قضاوت باتاریخ و ملت ایران است چند سال دیگر قضاوت میشود که کی خائن بود و کی خادم، اما راجع به این گزارش هشت نفری چیزی است که در منزل بنده تهیه شده و همه آقایان امضاء کرده اند یکی از همکاران محترم مرقوم فرموده اند که در شان قلم همین بس که خداوند در قرآن فرموده ن والقلم بنده راجع بمقام و ارزش قلم زبانم عاجز است امیدوارم که دیگران که قدرت بیان بیشتر از بنده دارند بتوانند حق مطبوعات ایران را معین و راجع بمبارزات ملت ایران در جهت ملی شدن نفت و توضیح

کنند و از این طبقه منوره که حقاً یکی از پایه گذاران نهضت بوده اند تقدیر شایسته ای بعمل آید (فرامرزی - یک اشاره ای بفرمائید که شبها از پشت بام بعضی از ارباب جراند بالا میروند که شاید نصف شبی توی خانه باشند و بگیرندشان مثل نوبخت) خیلی اسباب تأسف است من خیال نمیکنم در این مجلس هیچک از همکاران باین قضیه موافق باشند (صحیح است) (قاتل آبادی - این معنائی است که تا زگی برای حکومت ملی کرده اند) و باز کمال تأسف را دارم من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق خیلی جسارت کردم به آقای مهندس حسینی او را من یکی از کسانی میدانم که در این مبارزه مؤثر قدم برداشته، منتهی چیزی که هست خیلی تعصب بخروج میدهند و دنیا و علمای علم الاجتماع هم میگویند احساسات و عقل در روی دو خط موازی یا منطبق کمتر تطبیق کرده اند، غالباً متناظر هستند و از هم دور میشوند، کمال حسن نیت را آقای مهندس حسینی از خود نشان داده و هر چه را بگوید واقعا از روی ایمان میگوید منتهی از دو حال خارج نیست یا من اشتباه میکنم یا ایشان (معمد ماوندی - یا هر دو) بنده نیامده ام اینجا مبارزه با آقایان میکنم، خیلی هم متأسفم و اگر یکی دو جمله کلام بنده را قطع نکرده بودند ترمز از دست بنده در نیرفت، خیلی متأسفم و قتیکه جریاناتی که آقای دکتر معظمی فرمودند و خواستم یک جمله ای از لحاظ تاریخ اضافه کنم که در همان خلانی که آقایان اعضای فراکسیون نهضت ملی نماینده بدربار دعوت میکردند و رفت و آمد داشتند بکروز یکی از همکاران در مجلس یک کارتی بمن نوشتند که میخواهم شمارا بیستم شب که ساعت ۱۰ یا زده ونیم که بمنزل رسیدم در بار تلفن کردند آقای حشمت - النوله دیبا بودند ایشان مطالبی را که آقایان (عده ای از نمایندگان - و الاثار) بنده چه عرض کردم ؟ (یکی از نمایندگان - دیبا) (دیگری از نمایندگان - فرقی نمی کند دیبا برادرش است) بله ایشان مطالبی را که آقایان مذاکره کرده بودند گفتند و گفتند این مطالبی که بنده بشما میگویم اهل حضرت همایونی فرموده اند که برای اطلاع شما که وضعیت طهران هست بدینگونه که مستحضر باشید هم بطور اختصار به بنده جریان را گفتند بنده هم خیلی تشکر کردم که بنده اطلاع دادند صبح ساعت ۹ آقای علاء وزیر محترم در بار وقت باتلفن با بنده ارتباط گرفتند و گفتند میخواستم خواهش کنم که شما در یک جلسه ای که امروز عده ای از آقایان نمایندگان مجلس دعوت شده اند شما هم شرکت کنید بنده عرض کردم که مطالب را آقای حشمت الدوله به بنده فرموده اند

نایب رئیس - وقت جناب عالی تمام شده
هکی - این مطالب تاریخی است خیال میکنم لازم باشد
نایب رئیس - چه در وقت خیال میکنید کافی باشد؟
هکی - بکریع (فرامرزی - نیم ساعت وقت بگیرید از اضافه اش استفاده نکنید) بنده کوتاه صحبت میکنم چون نمیخواهم خلاف آئین نامه هم بشود.
نایب رئیس - آقایانی که موافقت بکریع آقای مکی ادامه بدهند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد بفرمائید
هکی - خیلی تشکر میکنم بایشان عرض کردم که آقای حشمت الدوله مطالب را بنده رسانند، گفتند چون آقایان تشریف مناورند در بار ایشان هر ضحکم من متأسفانه در این دعوت هائیکه در این دولت و هر دولتی که میشده من اصلا شرکت نمیکنم ام یا موضوعی بوده مربوط بیک کمیسیونی که بنده مجبور بشم که بشم من اصولاً متأسفانه مادامیکه مجلس بمن مأموریتی ندهد بنده در دربار و در این جلسه شرکت نخواهم کرد - بعدرفته رفته صحبت از شدت اختلاف بین دربار و دولت شد بنده حقیقه اختلافات را بهر کیفیتی بهر شکلی در حال حاضر مفید میدانم و وظیفه خود میدانم که جلوی ضرر در هر کجا که بگیریم منفعت است جلوی اینکار را بگیرم از آقای حاج سید جوادی همکار محترم و سرعموی گرامم خواستم که شما باقرآن یک تقاضای بزنید و به بنده اگر من اینکار را بکنم میتوانم عملی انجام بدهم و رفع این اختلاف را بکنم - ایشان قرآن را باز کردند این آیه آمد «فسجد - الملائکه کلهم الا ابلیس» حالاً راجع بابلیس این قضیه کی بوده (حاج سید جوادی - پیدا میشود آقا) چون خیلی صحبت شده ولی تاریخ و آیه نشان میدهد که ابلیس کی است (عبدالرحمن فرامرزی - مستثنای منقطع است) بنده خواهش کردم در جلسه همکاران گرامی هم تفقد فرمودند لطف فرمودند و واقعا مجلس علاقه دارد که این اختلافات رفع بشود و کشمکش نشود - بنده در این موقع اقلیت و اکثریت نمیشناسم، همه را هواخواه مملکت میدانم (صحیح است) امیدوار هستم که همه موفق بخدمت به مملکتان بشوند، من هیچکس را خیانت پیشه نمیدانم ممکن است اشخاصی اشتباه بکنند، امیدوار هستم که خداوند همه را از اشتباه مصون بدارد زیرا ایشان جایز الخطا نیست (عده ای از نمایندگان - هست) بیخشید هست معصوم نیست چون معصوم نیست خطا خواهد کرد ولی آقا «در خطائی از تو سرزد در پیشانی گریز از خطا نادم نگردیدن خطائی دیگر است» (صحیح است) انسان وقتی خطائی میکند

باید جلوی خطای خودش را بگیرد، باید دیده چه موجب شده، کدام خطا سبب شده که رفته رفته ملت ایران دارد از این نهضت مأیوس میشود، آقا دارند مارادرس هرتی میکنند در میان ملل خاور میانه که نتیجه این نتیجه نهضت ملت ایران است، این نتیجه ملی کردن نفت است که باین روز افتاده اند، باید دید کدام خطاها موجب شده که ما را باین روز در آورده جلوی این خطاها را باید گرفت، چه موجب شد که اتحاد و اتفاق ما را از بین برد چه موجب شده که ملت ایران، دو تا برادر با هم دارند میزنند، یکی میگویی زنده باد یکی میگویی زنده باد، بنده در جلسه خصوصی هم عرض کردم که من نه طرفدار دکتر مصدق نه طرفدار آیت الله کاشانی نه طرفدار دربار هستم آنروز عرض کردم که کنترات نامه من با ملت ایران قانون اساسی است من روی قوانین و حکومت قوانین با دولتها و با شخص مخالف یا موافق میکنم (صاحب است) هیچوقت در زندگی سیاسی من در این چند دوره ای که در مجلس بوده ام بت برستی نکرده ام و نخواهم کرد (میراشرفی) ولی بت شکنی کرده اید ما شاهدیم (این مثال شاید با بنده تطبیق نکند و شاید هم بوضف از این گناه بزرگان نشسته است بوز سر تیب - مسلم است) (دکتر بقائی) ولی بآن روزنامه هائی که بشما فحش می دهند کسی پول میدهد؟ اینها سندا فتخار من است اضافه میکنم که یک مبارزه ای را کردم که آنقدر دردناک بوده برای سیاست ستعمار که بعد از چند سال با اینکه اکنون برکنار شده اند را میکنند، پس بنده قدرتی هستم که من را بیکورند آقا اگر بآدم فحش دهند مرده است، بمرزنده فحش میدهند، باید فحش بدهند من افتخار میکنم مردی که مبارز میدان سیاست است بهش فحش بدهند و باید هم بدهند آنهم برای چی؟ برای چه عملی؟ کدام جواز را بنده گرفتم کدام ملک را دارم کدام پول را در بانکهای خارجه دارم کدام تمکن را دارم کدام تقاضا را در چند سالی که بنده همه کاره نهضت بوده ام کرده ام (خطاب با آقایان وزرائی که در جلسه بودند) کدام خواهش را از شما کرده ام آبله اطلاق شما آمده ام؟ (دکتر صدیقی وزیر کشور - هیچ) (میراشرفی - ما هم نکرده ایم) بنده هیچوقت از کسی خواهشی نکرده ام و نخواهم کرد، برای اینکه بوقعش فرستم بزنم (یکی از نمایندگان) یک عده سعودی خواهش کرده اند در روزنامه ها نمی دانم نوشتند من عمارت کجا را خریدم یک سیر نبات صلح کردم، کجا را خریدم باز یک سیر نبات صلح کردم و حالا هم باز عرض میکنم همان عرضی را که موقع رفتن به آمریکا کردم هر کسی که مسئولی بدست آورد از من یک سیر نبات صلح کردم، وکالت شرفی و عرفی بهمه امان میدهم و هر کس که کوچکترین سوء

استفاده ای از بنده دیده است صد دینار رشوه داده است بلند شود بگویند رشوه گرفتن چیزی نبود که مکتوم بماند، کار چاق کنی که من کرده ام اگر کسی دیده بیاید بگوید (یکی از نمایندگان) کار کشائی (بیغشید کار کشائی اگر کرده ام هر کس که گفت از و کالتم صرف نظر میکنم بهر حال خواهش کردم که از هر ده نفری یک نفر انتخاب بشوند مطالب همانطوری بود که آقای دکتر معظمی فرمودند راجع با اختیارات و فرمایشات آقای دکتر بقائی هم صحبت کردند تصدیق میکنم ولی چون بنده همان جلسه هم با حضور آقای دکتر مصدق عرض کردم و مذاکره شد ایشان گفتند بزور اختیارات رایس نمیدهم من هم تأیید کردم ایشانرا گفتم خیال نمیکند کسی در این موقع بخواهد بزور اختیارات را از شما پس بگیرد شما هر کدامش را بخواهید هیچ چند ماده اش را شزدند گفتند اینها اصولاً منتفی است و کاری به آنها ندارم اینها را رد میکنم و راجع به آنها صحبت شد که کلمه لوایح در ظرف یک هفته ۱۰ روز بیاید در کمیسیونهای مجلس و رویش مطالعه میشود هر کدام که تصویب کردند بدوات ابلاغ شود و اگر در کمیسیون تصویب نکردند با این قید که ظرف ۱۰ روز ۱۰ روز ضرب الاجل داشته باشد و اگر جریان قانونگذاری وقفه ای در کار ایجاد نکند اتوماتیکمان خود بخود دولت آن قانون را اجرا کند قرار بود که جلسه بعد هم برویم و این کار را با آقای دکتر مصدق تمام میکنم ولی چون یک مخالفتی پیش آمد و صحبتهایی پیش آمد که نگذاشتند تشکیل شود و دیگر این جریان پیش نیامد که ما برویم با ایشان صحبت کنیم که خودشان یک قسمت از اختیارات را واگذار کنند - بهر حال مذاکرات مفصلی شد و این طرح تهیه شد (یکی از نمایندگان) گزارش (بله این گزارش تهیه شد و مخصوصاً یک نکته ای را باید اضافه کنم، جناب آقای دکتر سنجابی تشریف دارند جناب آقای گنجی هم تشریف دارند، آقای رفیع هم تشریف دارند آقای جابری زاده هم تشریف دارند همه الحمد لله هستند، در یکی از عباراتی که خود اعلیحضرت قرائت میفرمودند تأملی کردند، تأملی کردند و یک عبارت را ایشان فرمودند باین کیفیت این اشکال را دارد بنده تمیخواهم زیاد جزئیات را بگویم بعد یک مثالی زدند مثالشان این بود جناب آقای دکتر معظمی خاطر تان هست یا نه؟ مثالشان این بود که موقعیکه جریان آذربایجان پیش آمد یک دسته ای از افسران از خراسان فرار کردند رفتند گرگان و یک دسته از افسران از تهران فرار کردند رفتند آذربایجان - یک پیشنهادی دولت کرد (دکتر بقائی) اسم پیشواری را بناورید که

تقاضای ماده ۹۰ خواهند کرد) که کلبه افسرانی که قیام کردند و به ارتش پیشواری ملحق شدند آنها را بایک درجه ترفیع وارد ارتش ایران میکنند (مهندس رضوی - مگر ممکن است همچو چیزی؟) بله کرده بودند، آقای گنجی نگفتند؟ آقای رفیع اینچنین نبود؟ آقای حائری زاده نگفتند؟ (حائری زاده - من نبودم) و من گفتم اگر دستم را از اینجا ببرند من این را امضا نخواهم کرد این حکم تجزیه و انحلال ارتش ایران است (صاحب است) و حالا که شما این وسط افتاده اید فکر آنروز را هم کرده اید که یک همچو دولتی پیدا بشود من که بدولت آقای دکتر مصدق همچو آوانسی داده ام تمام فرماندهان لشکرها را بدون اطلاع من عوض کرده اند تغییر داده اند و من هم اعتراضی ندارم دخالتی ندارم ولی فکر آنروز را کرده اید که اگر یک چنین دولتی پیدا شد یک چنین پیشنهادی کردند دیگر من مؤثر نیستم این عبارتی بود خواستم تکمیل کنم فرمایشات آقای دکتر معظمی را و جریان تاریخی این گزارش هشت نفری و ملاقاتها تبیین شده بود و بعد بنده سه فرمول تهیه کردم که بخط بنده است روی مارک وزارت دربار وقتیکه این سه فرمول را شروع کردیم به بحث کردن حقیقت قضیه اینست که بنده دیدم که شاه مملکت آقا یک مقام شامخی دارد، مورد احترام است مورد تجلیل است اگر با حضور ایشان ما بحث کنیم ممکن است یک بیایی ایشان بفرمایند که ما صورت ظاهر نتوانیم ایشانرا متقاعد کنیم و تصور شود که ما مقاومت میکنیم در مقابل ایشان بنده یک استدعائی از ایشان کردم و آن این بود - کینه اعلیحضرت همایونی بما اجازه بدهند که از این اطاق خارج شویم و در اطاق دیگری بحث کنیم و فرمولی تهیه کنیم و بعرض برسائیم و این سه فرمول را تهیه کردیم با خط بنده است و خود اعلیحضرت از اطاق تشریف بردند بیرون ما این فرمول را تهیه کردیم بعد دادیم خدمت آقای قائم مقام ایشان بردند حضور اعلیحضرت، اعلیحضرت فرمودند که چون من اظهار اعتماد بهیئات هشت نفری کرده بودم همان که نوشته شده قبول میکنم و هیچ تغییری درش جایز نمیدانم این بود که بنده چون این یکسند تاریخی بود حفظش کردم تا با امروز که بدهم بمجلس در هر حال متن گزارش این است (بتاریخ ۳۰ اسفند ماه ۱۳۳۱) ساحت مقدس مجلس شورای ملی - چون حسب تصمیم آقایان نمایندگان محترم در جلسه خصوصی روز شنبه ۱۴ اسفندماه ۱۳۳۱ مقرر گردید امضاء کنندگان زیر در باره شایعه اختلافات حاصله بین دربار و رئیس دولت که بواسطه پیش آمد اخیر در افواه منتشر و موجب پاره ای تشنجات و نگرانیها گردیده مطالعات و اقدامات لازمه نموده

نتیجه را بعرض مجلس شورای ملی برسائیم لذا هیأت منتخب بدو آبا جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر ملاقات و با استحضار از مطالب ایشان بعرض اعلیحضرت همایونی شرفیاب و فرمایشات ملوکانه را اضافه نموده اینک خلاصه مذاکرات و نتیجه را بشرح زیر بعرض مجلس مقدس شورای ملی میرساند خوشبختانه بین اعلیحضرت همایونی و رئیس دولت کوچکترین اختلافی که ناشی از نظریات شخصی و خصوصی باشد موجود نیست بملاوه اعلیحضرت همایونی فرمودند که همواره علاقه کامل خود را بر رعایت اصول قانون اساسی تصریح و زحمات جناب آقای دکتر مصدق را در پیشرفت نهضت ملی ایران تقدیر نموده اند همچنین علاقه و احترام کامل آقای نخست وزیر نسبت بمقام شامخ سلطنت و شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مسلمو ابدأ مهمل تردید نیست تنها جهتی را که میتوان منشأ اختلاف نظر تشخیص داد اختلاف در تفسیر و تعبیر مقررات قانون اساسی در مورد اعمال حقوق سلطنت و اختیارات قانونی هیئت دولت مخصوصاً راجع بقوای انتظامی کشور است که باتوجه به مجموع اصول قانون اساسی و متمم آن نظریه خود را بشرح زیر بعرض میرسائیم. نظر باین که موافق اصل ۳۰ متمم قانون اساسی سلطنت و دیه است که بوهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده و طبق اصل ۴۴ متمم قانون اساسی شخص پادشاه از هر گونه مسئولیت مبرا است و از طرفی طبق همین اصل و اصل ۴۰ متمم مسئولیت اداره امور مملکتی بمعهده وزراء و هیأت دولت میباشد بدیهی است اداره و مسئولیت امور مملکتی اهم از کشوری و لشکری از شئون مقام سلطنت نبوده حقوق هیأت دولت و وظیفه وزیران است که در اداره امور وزارتخانه های مربوط بنام اعلیحضرت همایونی سعی و کوشش در اجرای مقررات قانونیه نموده منفرداً و مشترکاً از عهده مسئولیت در مقابل مجلس شورای ملی برآیند بنا بر این برای اینکه این موضوع برای همیشه واضح و روشن باشد احتدعاهای تأیید این گزارش را از ساحت مقدس مجلس شورای ملی داریم. حسین مکی - جواد گنجی - رضا رفیع - حائری زاده - دکتر سنجابی - معجز زاده - دکتر معظمی - دکتر بقائی - اینهم سه قسمتی بود که اینطور تهیه شد (بدیهی است اداره و مسئولیت امور مملکتی اهم از کشوری و لشکری منحصر از حقوق و وظایف هیأت دولت و وزیران است) که بقیه آن بآن یکی متصل میشود و همچنین یکی دیگر (بدیهی است قانون اساسی اداره مسئولیت امور مملکتی اهم از کشوری و لشکری را از شئون مقام شامخ سلطنت ندانسته است) و همچنین فرمول دیگر (قانون اساسی از شئون

مقام شامخ سلطنت ندانسته است (میراشرافی -
 دژ به منی جاها قانون اساسی تصریح کرده
 مخصوصاً در اصل ۵۰ مضمون قانون اساسی)
 این تصور میکنم که از لحاظ تاریخ
 بایستی در صندوق نسوز مجلس بماند پیشتر
 هم بنده یادداشت کردم همانطور که همکار
 محترم آقای دکتر معظمی فرمودند ساعت ۵
 بعد از ظهر ۱۹-۱۲-۱۳۳۱ منزل آقای
 نخست وزیر ساعت ۷ و ربع بعد از ظهر ۱۹-
 ۱۲-۱۳۳۱ تا هشت و بیست دقیقه کاخ
 اختصاصی سلطنتی در خاتمه عرضم (حمیدیه -
 ممکن است استدها کنم مذاکرات منزل

آقای نخست وزیر را هم بفرمائید) (یکی
 دیگر از نمایندگان - راجع با اختیارات
 هم بفرمائید) فقط بنده از حضور همکار گرامی
 جناب آقای یارسا میخواهم استفاده کنم
 چون یکی دوتا از این بلندگوهای هیأت
 حاکمه در روزنامه شان مینویسند مکی از
 وقتی با آمریکا رفته عوض شده بنده بشهادت
 آقای یارسا که افتخار همسفری ایشان را داشتم
 بنده بکقدم بدون اطلاع ایشان بر نداشتم
 (یارسا - صحیح است کمال وطن پرستی را
 ابراز کردید) خوشبختانه ایشان سخنگوی
 فراکسیون نهضت ملی است (سیدجوادی -

آنرا من باید تشخیص بدهم (و ملاقاتهای
 بنده و آقای یارسا اگر یک روزی کشف
 شد آنهم مسلماً سند افتخار بنده خواهد بود
 (یارسا - تمام خدمات از ناحیه جناب عالی بود)
 بلطف و مرحمت شما بوم چون من زبان
 انگلیسی نمیدانستم و ایشان ۶ سال در چین
 بوده است و بزبان انگلیسی آشنائی کاملی
 داشتند و در تمامی ملاقاتها ایشان حضور
 داشتند بملاوه جناب آقای صالح سفیر کبیر
 دولت شاهنشاهی هم حضور داشتند و تمام
 آنها تلگراف رمز شده و دولت هم اطلاع
 دارد بنابراین بنده در آنجانه جلسه محرمانه ای

داشتیم و نه کاری از ملت ایران ممکن
 مانده و اگر یک روزی آن تلگرافها کشف
 شود آنوقت سند افتخار ما خواهد بود
 (۷- تعیین موقع جلسه بعد -

ختم جلسه)

نایب رئیس - با اجازه آقایان جلسه
 را ختم می کنیم جلسه آینده یکشنبه ۱۷
 خرداد
 (یک ساعت و نیم بعد از ظهر جلسه
 ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی
 محمد ذوالفقاری